زندگی قدس
چهار شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۷
۲۵ ذی القعده ۱۴۳۹
۸ آگوست ۲۰۱۸
سال سی‌ویکم
شماره ۸۷۵۳
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

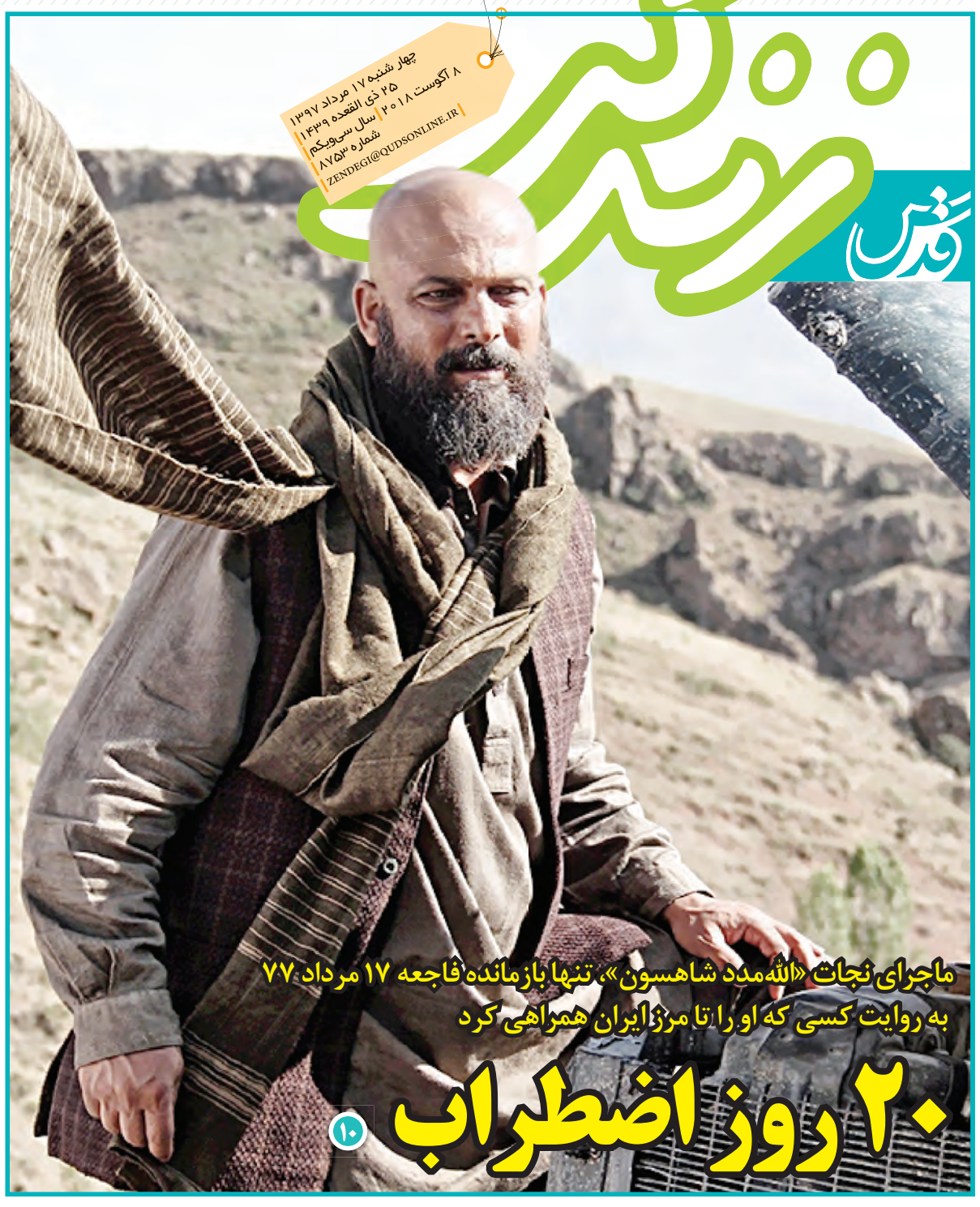

ماجرای نجات «الله‌مدد شاهسون»، تنها بازمانده فاجعه ۱۷ مرداد ۷۷
به روایت کسی که او را تا مرز ایران همراهی کرد

۲۰ روز اضطراب

۱۰

حسین یاری در نقش الله‌مدد شاهسون در فیلم «مزار شریف»

گفت‌وگو با محمدحسین جعفریان
درباره «مزار شریف» تنها فیلم سینمایی
مربوط به فاجعه ۱۷ مرداد ۷۷

چه کسی ما را کشت؟

۱۵

گفت و گو با محمد ملتجی به بهانه آغاز به کار
سیزدهمین دوره جشنواره «تئاتر مردمی بچه‌های مسجد» در قزوین

تئاتر مسجدی نیاز جامعه ماست

۱۴

آیت الله «سید ابوالقاسم خویی» ۱۷ مرداد ۱۳۷۱
دارفانی را وداع گفت

از «خوی» تا «نجف»

۱۶

خط قرمز

حوادث ایران

سقوط هواپیمای آموزشی در هشتگرد

باشگاه خبرنگاران: سرپرست سازمان اورژانس کشور گفت: یک فروند هواپیمای آموزشی در هشتگرد کرج سقوط کرده است و سرنشینان هواپیما هم مصدوم شده‌اند.
کولیوند در تشریح حادثه سقوط هواپیمای آموزشی در کرج گفت: ظهر روز گذشته هواپیمای مذکور با دوسرنشین در هشتگرد سقوط کرد. وی ادامه داد: مصدومان این حادثه که یک آقا و یک خانم بودند، به سرعت به بیمارستان منتقل شدند.

برخورد سه خودرو در محور فیروز آباد- جم ۶ کشته برجای گذاشت

باشگاه خبرنگاران: سرپرست اورژانس کشور از تصادف در محور فیروزآباد- جم و کشته و زخمی شدن ۱۱ نفر در این حادثه خبر داد. کولیوند سرپرست اورژانس کشور اظهار کرد: بر اثر برخورد سه خودرو با هم در حوالی ساعت ۱:۴۷ صبح روز گذشته، شش نفر جان باخته و پنج نفر هم مصدوم شدند که مصدومان توسط هفت دستگاه آمبولانس به مراکز درمانی منتقل شدند.

سرنوشت نامعلوم ۱۰ دستگاه پورشه قاچاق بعد از ۵ سال

مهر: سرنوشت ۱۰ دستگاه خودروی پورشه قاچاق که به دلیل طی نکردن روال قانونی ثبت سفارش در سال ۹۲ ضبط شده بودند، بعد از پنج سال همچنان در انتظار تعیین تکلیف است. جمشید قسوریان جهرمی رئیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در خصوص وضعیت ۱۰ دستگاه خودروی پورشه‌ای که در استان یزد توقیف شده بود، اظهار کرد: خودروها که مدل ۲۰۱۴ هستند سال ۹۲ وارد کشور شده بودند. وی افزود: در آن زمان واردکننده این خودروها، برای ثبت سفارش روال قانونی را طی نکرده بود، از این رو در همان زمان خودروها توقیف شد. رئیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی ادامه داد: بعد از گذشت مهلت ترخیص خودروها، خودروهای مورد اشاره در دسته کالاهای متروکه قرار گرفت. جهرمی تصریح کرد: اما با توجه به اینکه حجم موتور پورشه‌ها بالای ۲۵۰۰ سی سی بود و قانون ممنوعیت واردات خودرو هم اعلام شده بود، امکان فروش این خودروها به عنوان کالای متروکه وجود نداشت.
رئیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی گفت: این خودروها همچنان در انبار نگهداری می‌شوند و برای فروش به شرط صادرات آن‌ها هم هنوز حکمی توسط مرجع قضایی صادر نشده است.

عاملان ۲۰ فقره موبایل قاپی دستگیر شدند

خط قرمز: فرمانده انتظامی مشهد از دستگیری سارق گوشی قاپ و مالخر اموال مسروقه و رمزگشایی از ۲۰ فقره سرقت خبر داد. سرهنگ اکبر آقابیگی در تشریح این خبر گفت: گزارش چند فقره گوشی قاپی در معابر مشهد و از داخل خودروهای سواری که شیشه آن‌ها پایین بود، پلیس را بر آن داشت طرح ویژه‌ای را برای شناسایی و دستگیری عامل و یا عاملان این سرقت‌ها اجرا کند. فرمانده انتظامی مشهد افزود: تیم‌های دایره تجسس کلانتری نجفی در این مأموریت با پیگیری سرنخ‌های به دست آمده از نحوه سرقت‌ها، عامل اصلی گوشی قاپی‌ها را چهره زنی و مورد شناسایی قرار دادند. سرهنگ آقا بیگی اظهار داشت: مأموران کلانتری نجفی در ادامه متهم را دستگیر کردند. سارق جوان در اعتراف‌های اولیه خود به پنج فقره گوشی قاپی در محدوده بولوار پیروزی و خیابان‌های مرکزی مشهد اعتراف و مالخر اموال مسروقه را به پلیس معرفی کرد. فرمانده انتظامی مشهد گفت: بر همین اساس تیم دایره تجسس کلانتری نجفی، مالخر اموال مسروقه را نیز دستگیر کرد که وی به ۱۵ فقره خرید گوشی‌های مسروقه از دو سارق دیگر نیز اعتراف کرد. سرهنگ آقابیگی خاطرنشان کرد: تحقیقات پلیسی برای دستگیری دو سارق دیگر نیز ادامه دارد.

کلاهبرداری ۱۳۹ میلیون تومانی در یک بیمارستان

طمع وام ۴ درصدی، کادر درمانی را به دردسر انداخت

عقیل رحمانی: مرد جوانی که به بهانه اعطای وام چهار درصد خارج از نوبت در مشهد کلاهبرداری میلیونی را رقم زده بود، در شیراز دستگیر شد.
ماجرا از آنجا آغاز شد که مرد کلاهبردار چند وقتی بود به عنوان راننده آمبولانس استخدام شده بود که به همین واسطه مانور متقلبانه خود را آغاز می کند.
او برای آنکه نقشه کلاهبرداری‌اش را کامل کند طوری در بین کادر درمانی بیمارستان رفتار می کرد که آن‌ها تصور می کردند او یکی از افراد پرنفوذ در صندوق قرض الحسنه بیمارستان است.
فرد کلاهبردار در ادامه چیدن پازل نقشه کلاهبرداری در کنار هم، به طعمه‌های خود وعده می‌داد که در قبال سپرده گذاری، خارج از نوبت وام چهار درصدی و چند برابر سپرده تحویل آن‌ها خواهد داد.
او در همین زمینه توانسته بود از یک پزشک بیمارستان ۵۶ میلیون تومان وجه نقد دریافت کند و از یکی دیگر از شاکیان پرونده تحت عنوان پرداخت وام ازدواج ۲۰ میلیون تومان دریافت کرده بود.
وی برای آنکه همه چیز را عادی جلوه دهد رسیدهایی را با نام و مشخصات صندوق بیمارستان طراحی و در اختیار متقاضیان وام قرار می‌داد. او حتی از متقاضیان ضمانت‌های بازپرداخت وام مانند چک، سفته و... دریافت کرده بود.
پس از آنکه بیش از ۱۰ نفر از نیروهای بیمارستان مذکور متوجه می‌شوند تمامی وعده‌های داده شده برای پرداخت وام توخالی بوده است، با فرد کلاهبردار تماس می گیرند اما گوشی تلفن همراه او خاموش بوده و ردی از او در شهر پیدا نمی‌کنند.
بر همین اساس کادر درمانی بیمارستان که کلاه بزرگی به سرشان رفته بود با حضور در دادسرای ناحیه ۲ مشهد در این زمینه طرح شکایت می کنند.
پرونده به شعبه ۲۰۱ بازپرسی ارجاع و مستندات مورد ادعایی شاکیان توسط بازپرس ملازمیان بررسی و در نهایت دستور شناسایی متهم در حالی صادر می‌شود که معلوم شد فرد کلاهبردار حدود ۱۸۰ میلیون ضمانت در قبال وامی که اصلاً در کار نبود از طعمه‌های خود دریافت کرده است.
تحقیقات پلیسی در این زمینه آغاز می‌شود. در ادامه یک زن جوان که با مرد کلاهبردار ارتباط داشت مورد شناسایی پلیس قرار می گیرد. اما زن جوان در بازجویی‌ها مدعی می‌شود که من هم طعمه کلاهبرداری‌های او شده‌ام. او با من در شبکه‌های اجتماعی آشنا و با وعده ازدواج به من نزدیک شد. زن جوان ادامه داد: نه‌تنها او با من ازدواج نکرد بلکه بیش از ۱۵ میلیون تومان هم از حساب بانکی من به بهانه پرداخت وام برداشت کرد و پس از آن دیگر ناپدید شد.
ردزنی‌های فنی پلیس ادامه داشت تا اینکه پیگیری یکی از سرنخ‌ها به شهر شیراز رسید و مشخص شد راننده آمبولانس در آن شهر مخفی شده است.
به واسطه همین اطلاعات بود که نیابت قضایی صادر و متهم در مخفیگاهش دستگیر شد.
وی پس از آنکه به مشهد منتقل شد، در شعبه ۲۰۱ بازپرسی اتهام کلاهبرداری، خیانت در امانت و جعل به او تفهیم و با صدور قرار ۵ میلیارد ریالی راهی زندان شد. رسیدگی به پرونده باتوجه به احتمال افزایش شکات همچنان در دستگاه قضایی ادامه دارد.

با مقاومت دو نوجوان دستفروش در مقابل شیاطین مست

نقشه دو شرور برای تجاوز بر ملا شد

تسنیم: پلیس آگاهی تهران بزرگ دو جوانی را که با ربودن دو دستفروش قصد تجاوز و آزار و اذیتشان را داشتند، دستگیر کرد.
۲۹ تیر ماه امسال دو پسر ۱۸ ساله با مراجعه به کلانتری ۱۵۲ خانی آباد به مأموران اعلام کردند که سرنشینان یک خودروی ۲۰۶ سفید رنگ، آن‌ها را به قصد آزار و اذیت جنسی ربوده‌اند.
در ادامه پرونده به پلیس آگاهی ارجاع شد و شاکیان پرونده (دو نوجوان ۱۸ ساله) پس از حضور در اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ مدعی شدند که هر دو دستفروش هستند و در مسیر برگشت به خانه مورد رهایش قرار گرفته‌اند. یکی از آن‌ها در تشریح دقیق واقعه گفت: ۳۰ دقیقه بامداد ۲۹ تیرماه زمانی که در حال جمع کردن بساط دستفروشی بودیم، ناگهان یک ۲۰۶ سفید رنگ با دو سرنشین در مقابل ما توقف کرد و با تهدید چاقو هر دو نفر ما را سوار ماشین کردند. آن‌ها ما را به اتاقکی در پشت بام یک کارگاه در منطقه نعمت آباد برده و در آنجا با ضرب و شتم و تهدید چاقو، قصد آزار و اذیت ما را داشتند.
دستفروش ۱۸ ساله ادامه داد: در حال کتک‌خوردن بودم که متوجه شدم چاقویی زیر فرش قرار دارد.
چاقو را برداشتم و به قصد دفاع به یکی از آدم‌رباها حمله ور شدم؛ چاقو در سینه یکی از آن‌ها فرو رفت. در حالی که لباس هایم را از تنم در آورده بودند موفق شدم به همان وضع از اتاقک فرار کنم و خودم را به خیابان برسانم. شروع به داد و فریاد و کمک خواستن کردم، دو جوان پس از من از اتاقک خارج شده و از محل متواری شدند.
معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ در توضیح روند شناسایی و دستگیری متهمان پرونده گفت: کارآگاهان به محل رفتند و تصاویر دوربین‌های مداربسته کارگاه را بازبینی کرده و بر همین اساس مشخص شد که اظهارات شاکیان پرونده واقعیت دارد. در ادامه، با شناسایی مالک خودروی ۲۰۶، یکی از متهمان به نام بهنام (۲۷ ساله) که ساکن منطقه نعمت‌آباد بود، تحت تعقیب قرار گرفت. در همین راستا بهنام به همراه متهم پرونده سوار بر یک دستگاه خودروی وانت روز جمعه ۱۲ مرداد دستگیر و به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند.
متهمان در تحقیقات اولیه منکر هرگونه اقدام به آدم ربایی و تلاش برای آزار و اذیت بودند، اما پس از مواجهه حضوری با دو شاکی پرونده و همچنین مشاهده تصاویر دوربین‌های مداربسته که آن‌ها را در حال انتقال دو نوجوان به داخل کارگاه نشان می‌داد، به ناچار لب به اعتراف گشودند و به ربودن دو نوجوان ۱۸ ساله با انگیزه آزار و اذیت اعتراف و عنوان کردند که در آن شب، شرب خمر کرده و در وضعیت روحی و روانی نامناسبی بوده‌اند.
بهنام که از ناحیه سینه مورد اصابت چاقو قرار گرفته بود، در اظهاراتش گفت: زمانی که چاقو به سینه‌ام فرو رفت دچار خونریزی شدید شدم و بسیار ترسیده بودم؛ همراه با دوستم سوار ماشین شدیم و خودمان را به بیمارستان رساندیم.
سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهمان با قرار قانونی صادره از سوی بازپرس شعبه نهم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران و جهت انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند.

حوادث جهان

پلیس آمریکا روزی سه مَرد می‌کشد

آمریکا: پلیس آمریکا روزانه سه مرد را می‌کشد که با این اقدام در یک سال بیش از ۱۰۰۰ نفر در سراسر کشور آمریکا جان خود را از دست می‌دهند.
خبرگزاری اسپوتنیک گزارش داد، براساس یافته جدید که در تاریخ ۱۹ ژوئیه و در مجله آمریکایی «سلامت عمومی» منتشر شد، پلیس آمریکا مسئول کشته شدن حدود هشت درصد از تمامی مردان بالغ در ایالات متحده در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ بوده است.
این مطالعه تحقیقی توسط یک تیم جامعه شناسی دو دانشگاه کورنل و واشنگتن انجام شده است.
این محققان از داده‌های غیررسمی مربوط به یک سایت که مشخصات افراد کشته شده توسط پلیس را ثبت می کند، استفاده کرده‌اند.
براساس این مطالعه جدید، خطر واقعی کشته شدن توسط پلیس دو برابر بیشتر از آنچه است که در پایگاه‌های داده‌ای رسمی اداره آمار دادگستری یا سیستم آمار حیاتی ملی آمریکا گزارش شده است.
این بدان دلیل است که پلیس ملزم به ارائه اطلاعات درباره قتل‌ها و مرگ‌های مرتبط با پلیس به دولت فدرال نیستند.
محققان تمرکز خود را روی مرگ ۹۷۹۵ نفر که در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ به دست پلیس کشته شده بودند، معطوف کرده‌اند.
همچنین مشخص شد ۸۸ درصد از کل افراد کشته شده به دست پلیس مرد هستند. در این مطالعه آمده است که علاوه بر نرخ دو برابری قتل توسط پلیس در مقایسه با میانگین دیگر کشورها، مردان لاتین تبار و سیاه پوست، بیش از مردان سفیدپوست در معرض خطر کشته شدن توسط پلیس قرار دارند.
به طوری که ریسک مرگ مردان سیاه پوست بین ۱/۹ و ۲/۴ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر در سال است. در حالی که میزان خطر مرگ مردان لاتین تبار به دست پلیس بین ۰/۸ و ۱/۲ در همین بازه زمانی است، اما این احتمال برای سفیدپوستان بین ۰/۶ و ۰/۷ است.
بررسی‌ها نشان می‌دهد که مردان سیاه پوست سه برابر بیشتر از دیگران توسط پلیس کشته می‌شوند. البته اختلاف در مورد مرگ مردان در ایالت‌های مختلف آمریکا متفاوت است. به طوری که مردان سیاه پوست در معرض کشته شدن توسط پلیس بیشتر در اکلاهاما قرار دارند درحالی که این میزان برای مردان لاتین تبار در نیومکزیکو بیشتر است.
همچنین در این گزارش آمده است: مردان ۱۰ برابر بیشتر از زنان توسط پلیس کشته می‌شوند و اختلافات نژادی برای زنان هم در ایالات مختلف آمریکا وجود دارد. به طوری که زنان بومی آلاسکا، زنان سرخ پوست آمریکایی و زنان سیاه پوست بیش از همتایان سفیدپوست خودشان در معرض کشته شدن توسط پلیس قرار دارد.(ایسنا)

روایت

قهرمان ماجرای نجات تنها بازمانده سفارت ایران را هیچ‌کس نمی‌شناسد و کسی سراغش را نمی‌گیرد

من هنوز کارت اقامت در ایران ندارم!

خانواده نادری همان‌قدر که در ۲۰ روز همراهی تنها بازمانده سفارت ایران ماجرا و داستان داشته‌اند، موقع ورودشان به ایران برایشان اتفاقات عجیب رخ داده است. نادری تعریف می‌کند: ما یکی دو روز بعد به همراه یک قاچاقچی از مرز زابل وارد ایران شدیم. یادم هست یک بیابان بی‌آب و علف پیش رویمان بود. شبانه وارد ایران شدیم که نکند نیروهای انتظامی ایران ما را با طالب‌ها اشتباه بگیرند و به سمتمان شلیک کنند. شب در خانه یکی از همان قاچاقچی‌ها ماندیم. صبح دایی سید جعفر با همان بنده‌خدا رفت به یکی از مقرهای سپاه وماجرا را تعریف کرد. غافل ازاینکه شاهسون همه چیز را برایشان گفته و آن‌ها منتظر بودند. با کلی عزت و احترام آمدند دنبالمان و با یک تویوتا رفتیم تا زاهدان. هرجاهم که جلویمان را می‌گرفتند، راننده کارتی را نشان می‌داد، سرباز احترامی می‌گذاشت و مسیر را ادامه می‌دادیم. بالاخره یک تعداد آدم با لباس افغانستانی نشسته بودند در یک ماشین. حق داشتند شک کنند. در زاهدان ما را بردند در هتلی مستقرمان کردند. یک عکس از ما گرفتند و کارت تردد صادر کردند که تا مشهد مشکلی نداشته باشیم.

◆ می‌خواستم بروم عکاسی ولی ویزای کار نداشتم!

سید احمد و خانواده‌اش بالاخره رنگ سفر بی‌زحمت و رنج را می‌بینند و راحت به مشهد می‌رسند. از او می‌پرسم که اینجا کَس و کاری داشتید یا باید زندگی را از صفر شروع می‌کردید که پاسخ می‌دهد: دو تا از دایی‌هایم در مشهد بودند و من در خانه آن‌ها اقامت می‌کردم. همان روزهای اول هم برای خودم کاری دست و پا کردم. می‌خواستم بروم عکاسی. بالاخره تجربه‌اش را داشتم، اما چون ویزای کار نداشتم، نمی‌شد. ناچار رفتم و شاگرد نقاش شدم که تا همین الآن ادامه دارد. این بی جا و مکانی و شبه آوارگی اذیتم می‌کرد. دایی‌های من دختر داشتند و نامحرم بود. هم برای آن‌ها سخت بود و هم برای من. یکی دوسال بعد ازدواج کردم و خدا به من سه فرزند دختر داده.

◆ مادرم فوت کرد، اما چون مدرک نداشتم، نتوانستم بروم افغانستان

چندسالی از ماجرای سفارت می‌گذرد و مسائلی که مبهم مانده، روشن می‌شود و وقت قدردانی از کسانی می‌رسد که جان خود را به خطر انداخته‌اند و یک شهروند ایرانی را صحیح و سالم به خاک کشورش رسانده‌اند. تنها کاری هم که می‌شود برای این خانواده انجام داد، این است که مجوز اقامتشان در ایران صادر شود، اما هیچ نامی از سید احمد نادری به میان نمی‌آید و هیچ‌کس حتی سراغی از او نمی‌گیرد.

نادری می‌گوید: برای هرکسی که در آن ماجرا کمک کوچکی کرده بود، کارت اقامت صادر کردند و مجوز حضور در ایران دادند، جز من. اصلاً وقتی ماجرا را برای مسئولان افغانستانی و ایرانی تعریف می‌کردند، هیچ نامی از من نبردند و نگفتند که چه‌طور جانم را برای حفاظت از یک ایرانی به خطر انداختم. برای بی‌ربط‌ترین آدم‌های ممکن اجازه اقامت صادر شد، ولی سر من بی‌کلاه ماند. حتی کسی نیامد که تشکری از من بکند. من آخر تا کِی در ایران دزدکی زندگی کنم و از حقوق اولیه‌ام محروم باشم؟ شما نمی‌دانید که به خاطر نداشتن اقامت چه برسر من آمده است. همیشه با این ترس زندگی کرده‌ام که نکند یک روز من را از ایران بیرون کنند. دخترهای من تا همین چند سال پیش از تحصیل محروم بودند، چون هیچ مدرک شناسایی نداشتیم که ارائه بدهیم. باور می‌کنید من ۱۸سال از دیدن مادرم محروم شدم؟ زمانی که برای درمان بیماری قلبی‌اش به ایران و مشهد آمد، توانستم ببینمش. بعد هم که به افغانستان رفت و فوت کرد، آن‌وقت من به عنوان پسر بزرگش، آنجا نبودم که زیرتابوتش را بگیرم. این درد را هیچ‌کس نمی‌فهمد و نمی‌تواند درک کند. در طول این سال‌ها کلی این در و آن در زدم، ولی فایده نداشت. زمانی که داشتند فیلم مزارشریف را می‌ساختند، من کنار آقای برزیده بودم و مشاوره می‌دادم. یک روز رفتیم پیش مسئول فرهنگی سفارت افغانستان و بچه‌های فیلم کلی سفارش من را کردند، ولی هیچ عایدی نداشت. آقای منوچهر شاهسواری گفت نامه بنویس من به دست مسئولان می‌رسانم، اما باز هم هیچ خبری نشد. مدیرتولید فیلم مزارشریف به من گفت که چه قدر پول می‌خواهی به تو بدهیم؟ گفتم چیزی نمی‌خواهم. فقط کاری کنید که اقامت من در ایران درست شود. چند سال قبل اعلام کردند آن‌هایی که مدرک ندارند، بیایند و اقامتشان را بگیرند، اما همزمان شد با تولد دختر من و ترجیح دادم که آن پول را خرج بیمارستان همسرم کنم تا اقامت. عاقلانه‌ترین کاری که می‌شد انجام داد، همین بود. چند سال بعد هم همین ماجرا تکرار شد و منِ کارگر نقاش که روزمزد هم کار می‌کنم، این پول‌های سنگین ۱۶، ۱۷ میلیونی را از کجا بیاورم؟ من مانده‌ام که چرا کسی از من سراغی نمی‌گیرد و نمی‌آید حالی از من بپرسد؟ اصلاً هنوز برایم سؤال است من که جزو شخصیت‌های اصلی این داستان بودم، چه‌طور حذف شدم و کسی از من یادی نمی‌کند؟

◆ همه دغدغه من بیماری دختر کوچکم است

دغدغه این روزهای سید احمد، دختر ۶ ساله‌اش است که با یک بیماری مادرزادی و مشکل کوچک در قلبش به دنیا آمده است و او از پس هزینه‌های درمانش برنمی‌آید. از آن بدتر این است که چون مدرک شناسایی ندارد، حتی بیمارستان هم بستری‌اش نمی‌کند: «دختر کوچکِ من با یک بیماری به دنیا آمد و قلبش مشکل دارد. یک زمانی به خاطر کمبود تنفس و مشکلات دیگر مدام غش می‌کرد. یک روز که حالش خیلی بد شد، بردیمش بیمارستان. گفتند باید عمل شود. هزینه‌اش هم اینقدر زیاد بود که پرداختش از توان من خارج بود. جدای از این اصلاً بستری‌اش نمی‌کردند. بچه داشت از دست می‌رفت. خدا به دکترش خیر بدهد، گفت سید تو اقدام کن، خدا خودش درست می‌کند. رئیس بیمارستان هم لطف کرد و هرجور که بود، دخترم را بستری کرد. البته اگر بیماری‌اش و کاری را که من برای آقای شاهسون کردم در شبکه‌های اجتماعی منتشر نمی‌کردم، دخترم از دست رفته بود. چون بچه‌های میزبانان خورشید آن عکس را دیده بودند و آمدند کمک من. الآن دوباره مشکلش عود کرده و احتمالاً یک هزینه ۱۶، ۱۷میلیون تومانی روی دست من می‌گذارد که ندارم بدهم. داستان بستری کردنش را هم که خودتان می‌دانید. مدرک ندارد. من درخواست زیادی ندارم، فقط اینکه بنشینند پای صحبت‌هایم و بفهمند که من هم در آن ماجرا نقش اصلی را داشتم. یا اقامتم را درست کنند، یا کمک کنند من تا افغانستان بروم و برای خودم و خانواده‌ام گذرنامه بگیرم و قانونی وارد ایران شویم تا دیگر این مشکلات را نداشته باشیم.

ماجرای نجات تنها بازمانده کنسولگری ایران درمزارشریف

به روایت کسی که او را تا مرز ایران همراهی کرد

۲۰ روز اضطراب

نمایی از فیلم «مزارشریف» – حسین یاری نقش الله مدد شاهسون را بازی می‌کند

◆ آقای نادری شما در مزارشریف متولد و بزرگ شدید یا در جای دیگر افغانستان؟

من سال ۱۳۵۶ در کابل به دنیا آمدم. پدرم اهل جوزجان در ولایت سرپل بود و مادرم اهل مزارشریف بود. من در یک خانواده پر جمعیت بزرگ شدم و هشت فرزند بودیم. پدرمان معلم ادبیات فارسی بود و دستی بر قلم داشت و گاهی شعر می‌گفت. من حدود ۶، ۷ ساله بودم که دوباره بنابه دلایلی به کابل مهاجرت کردیم. آن زمان حقوق معلمی کفاف زندگی ما را نمی‌داد و پدرم عصرها با ریکشا در جاده «مِی‌وند» مسافر جابه‌جا می‌کرد؛ اما مجدد اتفاقاتی افتاد که باز مجبور شدیم برگردیم به همان ولایت خودمان یعنی مزار.

◆ امنیت کابل و دیگر شهرهای افغانستان چه‌طور بود؟

امنیت ما بی‌نهایت خوب بود و هیچ خبری از جنگ و درگیری نبود. مردم در آرامش کارشان را می‌کردند و هرازچندگاهی در برخی از شهرها بین احزاب نبردهایی درمی‌گرفت که مخل زندگی کسی نبود. در کابل هم گاهی اوقات نیروهای گلبدین حکمت‌یار راکت‌پرانی می‌کردند و هیچ با خودشان فکر نمی‌کردند که شاید این موشک به بازار یا خانه مردم اصابت کند.

◆ آن اتفاقی که شما وخانواده‌تان را دوباره به مزارشریف برگرداند چه بود؟

من ۱۴ساله بودم که برگشتیم مزارشریف. دلیلش هم درگیری‌هایی بود که بین احزاب و افرادی مثل مسعود و دوستُم و مزاری شکل گرفت. درواقع آغاز دوره هرج و مرج کشورمان بود. امنیت کابل دیگر از بین رفته بود و هرلحظه می‌دیدی که موشک یا راکتی به جایی می‌خورد و منفجر می‌شود. دیگر آنجا جای زندگی نبود و برای همین مهاجرت کردیم به سمت شمال افغانستان که منطقه امن‌تری بود. چون ژنرال دوستم آن‌جا را منطقه خودمختار اعلام کرده بود و کسی جرئت نزدیک شدن نداشت و درگیری‌های کمی داشت. ما با همان یک‌دست لباس تنمان از کابل فرار کردیم.

◆ درمزار هم زندگی‌تان به روال سابق برگشت و دوباره به آرامش رسیدید؟

تقریباً بله؛ آن زمان چون جنگ و درگیری بود و درآمدها خیلی مناسب نبود، من به عنوان پسر بزرگ خانواده باید کار می‌کردم و کمک‌خرج می‌شدم و برای همین بیشتر از سیکل نتوانستم درس بخوانم. پدرم دوباره برگشت سرکار معلمی‌اش و من هم در عکاس‌خانه پسرعموهایم مشغول به کار شدم و گاهی هم کنار خیابان کتاب می‌فروختم.

◆ از زمانی که شما برگشتید به زادگاه مادری‌تان، یعنی مزارشریف، تا موقعی که طالبان وارد آن شهر شد چندسال طول کشید؟

اگر اشتباه نکنم پنج سال. یادم هست که ۲۰ سال بیشتر نداشتم و روزی که این خبر بین مردم پخش شد که طالب‌ها آمدند و وارد مزارشریف شدند، من کنار خیابان کتاب بساط کرده بودم و وقتی دیدم که اوضاع خیلی خوب نیست، سریع برگشتم سمت خانه. ما اصلاً به صدای تیر و تفنگ عادت کرده بودیم. فکر می‌کنم حدود ساعت ۱۰/۳۰ صبح بود که صداها خیلی نزدیک شد و بعد هم طالب‌ها وارد شهر شدند. البته این را هم بگویم که موضوع طالبان برای ما آن زمان خیلی بیگانه نبود و از روزی که نبردهایشان را در افغانستان شروع کرده بودند ما جسته و گریخته چیزهایی از آن‌ها شنیده بودیم. اگر اختلاف‌نظر دوستُم با یکی از فرماندهانش و بعد فرارش نبود، شاید مزارشریف به این راحتی‌ها به اشغال طالب‌ها درنمی‌آمد.

◆ یعنی هیچ درگیری بین نیروهای طالبان و بقیه شبه‌نظامیان شکل نگرفت، وقتی وارد مزار شدند؟

اصلاً. نیروهای دوستُم و بقیه فرماندهان خیلی راحت تسلیم شدند و کل شمال افغانستان شاید ظرف ۱۰، ۱۲ ساعت به اشغال طالبان درآمد. آن‌ها بار اول با همکاری ملک وارد شهر شدند و سه روز با هم به خوبی و خوشی درشهر بودند، تا اینکه یک گروه از شیعه‌های حزب وحدت علیه طالبان اعلام جنگ کرد و با آن‌ها جنگید و سایر نیروها هم ناگهان با آن‌ها جنگ را شروع کردند و ورق برگشت. طالبان ۶ ماه بعد به تلافی آن نبرد و شکستی که خورده بودند، به طرز وحشیانه‌ای وارد شهر شدند و نیروهای نظامی را کشتند. بعد هم بی‌رحمانه سراغ مردم آمدند و هرکسی که تفنگ به دست گرفته بود، از هزاره‌ها وشیعه‌ها گرفته تا بقیه اقوام، را کشتند. طوری شده بود که جنازه‌ها را کنار خیابان ریخته بودند و سگ‌ها می‌آمدند گوشت آدم می‌خوردند.

◆ شما که شیعه بودید، نمی‌ترسیدید که سراغتان بیایند؟

می‌ترسیدیم. آخر از بقیه شنیده بودیم که طالبان شیعه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد و آزارشان می‌کند. بخصوص اینکه ما سید هم بودیم و در مزارشریف حسینیه داشتیم. واقعاً نگران جانمان بودیم. چون داشتند خانه‌به‌خانه جلو می‌آمدند و امکان داشت که یک نفر از اهالی شهر، ما را لو بدهد. در این گیر و دار و ترسی که داشتیم، کارمند سفارت ایران هم به ما پناهنده شد.

◆ خودتان رفتید سراغ ماجرای اصلی؛ می‌گویند سفارت در همان لحظه اول اشغال شد و کارمندهایش را شهید کردند، شما از ماجرای سفارت اصلاً خبر داشتید یا نه؟

| مردم/ حامد کمالی | ۱۷مرداد ۱۳۷۷ سفارت ایران در مزارشریف افغانستان به دست طالبان اشغال شد و ۹نفر از کارمندان آن به دست شبه نظامیان به رگبار بسته و کشته شدند.

حدود ۲۰ سال است که این ماجرا از زبان تنها بازمانده آن جمع روایت می‌شود؛ اما حادثه سفارت ایران و نجات تنها ایرانی زنده مانده، یک راوی دیگر هم دارد که روایتش را سال‌هاست کسی نشنیده است و حتی هیچ اسمی از او برده نمی‌شود.

سید احمد نادری؛ راوی‌ای که برای شنیدن داستان تازه‌اش از ماجرای سفارت ایران در مزارشریف، راهی انتهای خیابان گلشهر در مشهدشدیم.

طالب‌ها همان بیست دقیقه نیم‌ساعت اول وارد سفارت شده بودند و کارمندها را شهید کرده بودند. خانواده ما یک رابط در سفارت داشت. دایی‌مان سید جعفر، چندین سال راننده آنجا بود. چندساعت قبل‌تر از این واقعه، او چند نفری از کارمندان را از سفارت خارج کرده و نوبت به بقیه نرسیده بود. ساختمان سفارت هم از خانه ما۶۰۰-۵۰۰ متر بیشتر فاصله نداشت و از هیچ چیز آگاهی نداشتیم. ما این ماجراها و اتفاقاتی که افتاد را از زبان شاهسون، تنها بازمانده کنسول‌گری شنیدیم.

◆ یعنی آقای شاهسون می‌دانست خانه‌تان کجاست و با قصد و نیت قبلی به آنجا آمد؟

نه! شاهسون و یکی ازهمراهانش داشتند در کوچه می‌رفتند که ما از پنجره بالای حسینیه او را دیدیم. من که او را نمی‌شناختم، ولی دایی‌ام بلافاصله او را شناخت. او را صدا زد و شاهسون سید را شناخت و بدو بدو برگشت سمت در خانه و وقتی که هردوطرف از هم‌دیگر مطمئن شدیم وارد خانه شد.

◆ آقای شاهسون زخمی شده بود، درست است؟

تیر به پایش خورده بود اما زخم نسبتاً سطحی برداشته بود و خیلی حاد و کشنده نبود.

◆ در آن گیر ودار و ترس و اضطراب، شما حالا یک عضو دیگر هم داشتید که طالبان داشت خانه‌به خانه دنبالش می‌گشت و به خونش تشنه بود. شما می‌توانستید او را به راحتی تحویل بدهید، ولی این کار را نکردید.

ما افغانستانی‌ها با شما کلی اشتراکات قومی و فرهنگی داریم و هیچ‌وقت به ذهنمان خطور نمی‌کند در مشکلات شما را تنها بگذاریم. آقای شاهسون بارها در مصاحبه‌هایش گفته تنها شانسش این بوده که یک خانواده شیعه مقید به احکام اسلامی به او پناه دادند. واقعاً هم همین‌طور است. ما می‌توانستیم او را تحویل طالبان بدهیم و خودمان را بیمه کنیم. ولی این‌کار را نکردیم.

◆ از همان اول تصمیمتان این بود که بیایید سمت ایران یا وقتی که آن کارمند ایرانی به شما پناهنده شد، مجبور شدید کوچ کنید؟

روز اولی که شاهسون به خانه‌مان پناهنده شد، دایی‌ام گفت من او را تحویل نیروهای اسلامی و شیعه بیرون مزارشریف می‌دهم، آن‌ها چون با ایران رابطه دارند می‌توانند به او کمک کنند. رفتند و بیرون مزار طالبان بازداشتشان کردند و با لطایف الحیلی خودشان را دَر برده بودند. سه روز بعد که طالبان خانه‌به خانه داشت دنبال مخالفان خودش و این کارمند سفارت می‌گشت، خطر را حس کردیم و دورهمی تصمیم گرفتیم که برویم ایران. چون دیگر نمی‌شد و نمی‌توانستیم در جایی که طالب‌ها هستند و قوانین عجیب و غریبی می‌گذارند، زندگی کنیم. برای همین من، مادرم، دایی سید جعفر و زن دایی‌هایم با چند بچه قد و نیم قد راه افتادیم به سمت شبرغان. ده یازده نفر شدیم. جایی که پدرم قبل از آمدن طالبان به مزار رفته بود آن‌جا.

◆ با آقای شاهسون چه کار کردید که لو نرود ایرانی است؟

یک پیراهن و تنبان افغانی دادیم تنش کرد و یک جلیقه کهنه هم رویش پوشید. از حسینیه هم یک دستمال سیاه پیدا کردیم و به سبک افغانی‌ها به سرش بست. چون زبان پشتو و ترکی ازبکی بلد نبود، گفتیم تو اصلاً حرف نزن و ادای لال‌ها را دربیاور. معمولاً هم شبیر، پسر دایی من که الآن در آمریکاست، را می‌دادیم بغلش و در ایست و بازرسی‌ها هم به بهانه اینکه بچه دستشویی دارد، خودش را از معرکه دور می‌کرد.

برش

به شاهسون سپرده بود که وقتی به مرز رسید، خودش را بیندازد طرف ایران، گذرش را به سرباز نشان بدهد و بگوید که فقط من را ببر پیش فرمانده‌ات. آخر شاهسون لباس افغانی تنش بود و هیچ‌کس به فکرش نمی‌رسید که او ایرانی باشد. همین کار را هم کرد و بالاخره بعد از یک‌ماه به کشور خودش بازگشت

◆ به شما و خانواده‌تان اعتماد کرده بود یا نه؟

راستش را بخواهید نه. هنوز ته دلش چرکین بود و می‌ترسید و تا حدودی حق داشت. بعد از اینکه به آخر مسیر رسیدیم و ۱۹، ۲۰روزی گذشته بود، تازه کم‌کم به ما اعتماد کرده بود و می‌گفت اگر شما نبودید، معلوم نبود چه بر سرمن می‌آمد.

◆ مسیری که می‌خواستید تا مرز ایران طی کنید، راه معمولی بود که باید می‌رفتید یا مجبور بودید راهتان را طولانی کنید که گیر طالبان‌نیفتید؟

تقریباً همان راهی بود که همه می‌رفتند. اصلاً بگذارید بگویم از چه شهرهایی گذشتیم. اول رفتیم شبرغان، بعد سرپل و در آخر هم هرات. می‌خواستیم شاهسون را تحویل احزاب شیعه بامیان بدهیم. آن‌ها او را بدهند به دولت ایران. روزی هم که رسیدیم به سرپل او و پسرعمویم راهی بامیان شدند، هنوز به شهر نرسیده بودند که فهمیدند طالبان آنجا را هم تصرف کرده است. دوباره برگشتند جایی که ما بیتوته کرده بودیم. آن‌جا بود که دیگر عزممان جزم شد که برویم سمت هرات و بعد مرز ایران. حتی یادم هست با همه خداحافظی کرد و اشک می‌ریخت. اصلاً فکر نمی‌کرد که جان سالم به در ببرد و زنده بماند.

◆ در مسیری که داشتید می‌رفتید سمت شبرغان، به پُست طالب‌ها و ایست و بازرسی‌هایشان‌نخوردید؟

اتفاقاً یکی ازبدترین خاطرات سفر ما همین است. ما صبح با یک اتوبوس بنز۳۰۲ راه افتادیم که برویم شبرغان. نزدیکی فرودگاه ما را نگه‌داشتند و یک طالب عصادار که لنگ می‌زد، از اتوبوس آمد بالا و شروع کرد به پرس و سؤال که کجا می‌روید و از کجا می‌آیید؟ به شاهسون که رسید و سوالش را پرسید، رنگ او مثل کاغذ سفید شد. در واقع همه‌مان ترسیده بودیم و خدا خدا می‌کردیم که واکنشی نشان ندهد. برای بار دوم سؤالش را تکرار کرد. به دایی‌ام گفتم اگر بار دیگر از او بپرسد، شاهسون لو می‌رود. ناگهان سید بلند گفت: ملاصاحب! این مرد برادر من و گنگ است. نمی‌تواند حرف بزند. مادرم هم دنباله حرف دایی را گرفت و گفت از این که لال است داری سؤال می‌پرسی؟ فقط ذکر می‌گفتیم که اتفاق خاصی نیفتد

◆ گفتید که پدرتان قبل از ورود طالبان به مزار در شبرغان بود، در ادامه مسیر همراه شما آمدند یا همان‌جا ماندند؟

ما در شبرغان رفتیم خانه عمویم و دو شب ماندیم. روز اول وقتی پدرم شاهسون را دید، تعجب کرد وبعد از اینکه دایی‌ام داستان را تعریف کرد، درجریان کار قرارگرفت و از آن‌جا به بعد او شد بلد راه ما. چون بارها کامیون‌های مهاجران افغانی که می‌رفتند سمت ایران را از این مسیر عبور داده بود. پدرم پشتو را کاملاً مسلط بود و حتی تدریس می‌کرد. ترکی ازبکی را هم به خوبی یاد داشت. چون در استانی به دنیا آمده بود که همه ازبک بودند. یادم هست یک‌بار سر سفره آقای شاهسون گفت که من پشتو بلدم و می‌توانم گلیمم را از آب بیرون بکشم. پدرم یکی دو سؤال ساده از او کرد، ولی او نتوانست جواب بدهد. ترکی ازبکی را هم متوجه نشد و فقط انگلیسی را فهمید. پدرم گفت که شما به هیچ عنوان با کسی صحبت نکن که خطرناک است و لو می‌روی. هم جان خودت را به خطر می‌اندازی و هم ما را. پدرم حتی رفت از والی طالبان در شبرغان دست‌خط گرفت که ما برادری داریم که کر ولال است و نیروهای نظامی آزارش ندهند.

◆ این مسیر را پیاده می‌آمدید یا با ماشین‌های بین راهی؟اسکانتان را چه‌کار می کردید؟

ما هیچ مسیری را با پای پیاده نیامدیم. در شهرها ماشین می‌گرفتیم و تا مقصد بعدی می‌آمدیم. از کامیون باری گرفته تا جیپ‌های روسی که فقط آن‌ها زورشان می‌رسید این جاده‌های کوهستانی را طی کنند. برای اسکان هم در بعضی از شهرها آشنا و فامیل داشتیم که می‌رفتیم خانه آن‌ها. در یکی از شهرها مثلاً پدرم با یک ازبک دوست شد و رفتیم خانه‌اش. اگرهم کسی را پیدا نمی‌کردیم، به هتل و مسافرخانه نمی‌رفتیم. اصلاً جرئت نمی‌کردیم که با یک ایرانی که طالبان به خونش تشنه است، وارد جمع‌های شلوغ بشویم. می‌رفتیم یک گوشه‌ای پیدا می‌کردیم و می‌خوابیدیم.

◆ به راحتی به مرز ایران رسیدید یا باز هم با طالب‌ها روبه رو شدید و نزدیک بود که لو بروید؟

خیلی راحت نرسیدیم. آقای شاهسون پاسپورتش را همراه داشت و ما آن را در بقچه‌هایمان مخفی کرده بودیم که پیدایش نکنند. یک‌بار نمی‌دانم چرا گذرنامه را در جیبش گذاشته بود. طالب‌ها آن را پیدا کردند و خیلی کنکاش نکردند که بدانند چیست. بار دیگر هم موقع نماز خواندن نزدیک بود لو برود. آخر بلد نبود مثل سنی‌ها نماز بخواند. دفعه آخر هم در منطقه جمعه‌بازار برای من اتفاقی افتاد. چون جوان بودم می‌خواستند من را نگه‌دارند که سربازشان بشوم. پدرم هم هرچه با آن‌ها صحبت کرد فایده نداشت و با قنداق تفنگ به جانش افتادند. آن سربازی که من را نگه‌داشته بود، همه را راهی کرد. کامیون یواش یواش راه افتاده بود و پدرم به راننده گفته‌بود که تند نروی. رفتم با فرمانده صحبت کردم و نامه والی شبرغان را نشانش دادم که همان موجب شد من را رها کنند.

◆ و سرانجام بعد از کش وقوس‌های فراوان به هرات رسیدید؟

بله؛ بعد از تحمل کلی استرس و رد کردن انواع و اقسام خطرها و بازی با جانمان، سرانجام به هرات رسیدیم. این شهر خیلی وقت بود که به اشغال طالبان درآمده و اوضاع خیلی آرامی داشت. طوری که شاهسون با آن وضعیتی که داشت، شهر را با دوچرخه دور می‌زد. جنگ و درگیری خیلی درآن کمتر بود. آقای شاهسون در طول مسیر مدام می‌گفت که من اگر زنده و سالم به هرات برسم، آنجا آشنایی دارم که می‌تواند من را به ایران برساند. می‌گفت اصلاً می‌روم کنسولگری ایران در آن‌جا که هنوز فعال است. آن آشنا هم مستأجر سال‌های دورش در ایران بود.

◆ آن دوست آقای شاهسون که کلی روی کمکش حساب کرده بود را توانستید پیدا کنید یا نه؟

در بازار، صرافی داشت و خیلی راحت پیدایش کردیم و رفتیم خانه‌اش دو سه روزی ماندیم. اما قبل از آمدن ما به شهر اتفاق بد دیگری افتاده بود.

◆ چه اتفاقی؟

عده‌ای به سمت کنسولگری ایران حمله کرده بودند و آن‌جا را به آتش کشیده بودند. کارمندهای سفارت هم رفته بودند ایران و کسی نبود. درواقع نقشه‌ای که شاهسون کشیده بود، نقش برآب شد. ما بعد از ۲۰ روز مسافرت، حدود ساعت‌های ۱۱ظهر رسیدیم هرات و این اتفاق ساعت ۱۰ افتاده بود. کل برنامه خروج ما از خاک افغانستان به هم ریخت. چون قرار بود شاهسون ما را هم به سفارت معرفی کند و اگر امکان داشت یک جوری از مرز خارجمان کنند.

◆ خودش بالاخره چه‌طور توانست از مرز خارج شود، شما و پدرتان کمکش کردید یا همان دوست صرافش؟

من و پدرم او را تحویل دوستش در هرات دادیم و گفتیم که مأموریت ما سالم رساندنش تا اینجا بود که به نحو احسن انجام دادیم. کل این ۲۰ روز را با استرس و نگرانی سَر کردیم. اگر یک درصد لو می‌رفت که او ایرانی است و ما داریم کمکش می‌کنیم، طالب‌ها به صغیر و کبیرمان رحم نمی‌کردند. آن‌زمان در مرز اسلام قلعه چهارشنبه بازاری بود که افغانی‌ها و ایرانی‌ها در آنجا بساط می‌کردند و جنس می‌فروختند. دوست او هم برای خودش نیمه تاجری بود. روز موعود یک گاری داد دست شاهسون و روی آن را پر از جنس کرد. انگار که او کارگر است. خودش هم با فاصله از او حرکت می‌کرد. به شاهسون سپرده بود که وقتی به مرز رسید، خودش را بیندازد طرف ایران و گذرش را به سرباز نشان بدهد و بگوید که فقط من را ببر پیش فرمانده‌ات. آخر شاهسون لباس افغانی تنش بود و هیچ‌کس به فکرش نمی‌رسید که او ایرانی باشد. همین کار را هم کرد و بالاخره بعد از یک‌ماه پر استرس به کشور خودش بازگشت.

◆ شما چرا با او نرفتید؟

نمی‌شد. ما هیچ مدرکی همراهمان نداشتیم. فقط خودمان بودیم و لباس تنمان. در آن اوضاعی که طالبان به کل افغانستان مسلط بود، اگر این‌طور وارد ایران می‌شدیم، می‌گرفتنمان و معلوم نبود که چه برسرمان می‌آمد. بعد از رفتن شاهسون هم، پدرم به مزارشریف برگشت و با من و بقیه به ایران نیامد. چون چندتایی از برادر و خواهرهایم، هنوز آن‌جا بودند و او هم نگران حالشان بود. مادرم هم که در شبرغان مانده بود. چند روزی بعد از رفتن آقای شاهسون، ماهم با یک قاچاقچی راهی ایران شدیم.

مدارسی که از فارابی تا البوطی چراغ علم را روشن نگه داشتند

حوزه‌های علمیه سوریه علیه جریان تکفیری

حوزه | در جنگ جهانی ۷ ساله علیه مقاومت اسلامی و سوریه، نخبگان و علمای سوری در جهت ارتقای بصیرت مردم در مقابل توطئه‌های پنهان و پیدای جبهه غربی عربی و صهیونیستی سهم بسزایی داشته‌اند. نگاهی به تاریخچه حوزه‌های علمیه در سوریه نقش ارزشمند حوزویان سوری اعم از شیعه و سنی را در دفاع از ملت و کیان سوریه در دوران جنگ تحمیلی سوریه برجسته‌تر می‌کند.

حوزه علمیه حلب قدیمی‌ترین حوزه علمیه سوریه

از جمله مناطق و شهرهای مهم شامات که تأسیس حوزه علمیه در آن قدمت تاریخی دارد حوزه علمیه حلب است. حلب مشهورترین منطقه شامات است که از سی قرن قبل از میلاد، تمدن‌های مختلفی چون حیثیون، آشوری‌ها، مصری‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها را به خود دیده و پس از فتح اسلامی ـ در دهه دوم هجری- پایگاه بزرگی برای ورود اسلام به سایر نقاط آسیا، آفریقا و اروپا بوده است. با مرور تاریخ حلب درمی‌یابیم که نخستین دوره حوزه علمیه شیعه حلب به عصر حمدانیان می‌رسد. حمدانیان توجه خاصی به فرهنگ اسلامی و تفکر شیعی داشتند. از این رو در تأسیس کتابخانه‌ها و بزرگداشت مقام دانشمندان دینی می‌کوشیدند.

از جمله دانشمندانی که در این دوره در حلب می زیستند، «ابونصر محمد بن محمد بن طرفان» مشهور به «ابونصر فارابی» (حدود ۳۳۹ـ ۲۵۹.ق) است. وی مدت زیادی در بغداد ماند و علوم بسیاری را در آنجا تحصیل کرد. سپس در سال ۳۳۰ هجری به حلب رفت و در پناه امیر سیف الدوله حمدانی زندگی کرد. شیعه در دوره مقارن با عصر آل مرداس، به رشد و شکوفایی خاصی رسید. برخی از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی در این شهر می‌زیسته‌اند و برخی از رسایلی که آنان نگاشته‌اند در جواب مردم حلب است. «ابوالصلاح تقی نجم الدین حلبی» جانشین سید مرتضی در بلاد حلب بوده که جوابگوی پرسش‌های فقهی و کلامی مردم حلب بوده و حوزه درس داشته است.

در دوران ۷ساله بحران سوریه، استان حلب از جمله مهمترین استان‌هایی بود که تروریست‌های تکفیری صهیونیستی داعش درصدد نابودی آثار باستانی آن بر آمدند.

حوزه علمیه شیعیان در دوره معاصر

حضور شیعه در سوریه، سابقه بسیار طولانی دارد اما در برهه‌هایی شیعیان به شدت تحت فشار بودند و تقیه می‌کردند. در واقع علوی‌های امروز در سوریه شیعه اثنی عشری بوده‌اند که به تدریج این‌گونه شده‌اند. در عین‌حال درصدی از شیعیان نیز در دهه‌های گذشته در سوریه حضور داشته‌اند که تا قبل از حافظ اسد و قبل از انقلاب اسلامی ایران، در انزوا بودند. پیش از سال ۱۹۷۰ میلادی حسن البکر و معاونش صدام در عراق، با هدف انحلال حوزه علمیه نجف، علما و روحانیون- به‌ویژه غیرعراقی‌ها- را از عراق اخراج کردند. در ابتدا از ایرانی‌ها شروع کردند و در مرحله بعد، سایر طلاب غیرعراقی را اخراج کردند. تعدادی از این طلاب به سوریه مهاجرت کردند.

علاقه حافظ اسد به شیعیان

در سال ۱۹۷۵، امام موسی صدر و شهید سیدحسن شیرازی به کاخ ریاست‌جمهوری سوریه راه پیدا کردند و موفق شدند ذهنیت حافظ اسد را نسبت به تشیع تغییر دهند. به این ترتیب حافظ اسد علاقه‌مند به شیعیان شد و به آن‌ها آزادی عمل داد و اجازه داد که در منطقه زینبیه حوزه علمیه احداث کنند. حضور برخی از فضلا و اساتید که از حوزه علمیه نجف به سوریه آمده بودند به همراه این تغییر رویکرد از سوی حافظ اسد، هسته مرکزی حوزه علمیه در منطقه زینبیه را تشکیل داد. قبل از انقلاب اسلامی حتی یک مدرسه علمیه فعال شیعه در سوریه وجود نداشت و بیشتر طلاب برای تحصیل به عراق یا لبنان می‌رفتند اما امروز تمام سطوح حوزوی و درس خارج در این کشور برقرار است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دوره جدیدی در سوریه به وجود آمد و ارتباط خوب بین ایران و سوریه تأثیرگذار بود به طوری که حوزه علمیه در منطقه زینبیه توسعه یافت و حیات جدیدی گرفت. اوایل دهه ۶۰ تعداد حوزویان از کشورهای مختلف رو به فزونی نهاد و علما و مراجع، نگاه مثبتی به حوزه‌های سوریه پیدا کردند.

از ۴۰ سال پیش، حوزه‌های علمیه پراکنده‌ای در سطح سوریه و منطقه زینبیه دمشق شروع به کار کردند که امکانات و برنامه‌ریزی کافی و مناسبی برای طلاب نداشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله فهری که نماینده امام خمینی(ره) در سوریه بود، اقدام به تأسیس حوزه علمیه امام خمینی(ره) در منطقه زینبیه دمشق کرد.

مهمترین حوزه‌های علمیه در سوریه

در سوریه حوزه‌های زینبیه(س)، مرتضی، امام علی(ع)، قائم(عج) و امام خمینی(ره) بیشترین فعالیت را دارند. حوزه‌های علمیه مرتضی و نور مخصوص خواهران هستند و در حوزه‌های مرتضی و زینبیه(س) بخش خواهران وجود دارد. در حال حاضر در حوزه‌های علمیه سوریه حدود ۱۲۰۰ طلبه از برادران و ۶۰۰ طلبه خواهر تحصیل می‌کنند و دارای تابعیت‌های مختلف هستند. طلاب و فضلای سوریه به طور منظم مشغول فعالیت‌های تبلیغی هستند. هم‌اکنون در دفتر رهبر انقلاب و حوزه‌های علمیه امام علی(ع)، مرتضی، زینبیه(س) و امام خمینی(ره) درس خارج برگزار می‌شود.

برش

> برخی از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی در شهر حلب می‌زیسته‌اند و برخی از رسایلی که آنان نگاشته‌اند در جواب مردم حلب است. «ابوالصلاح تقی نجم الدین حلبی» جانشین سید مرتضی در بلاد حلب، جوابگوی پرسش‌های فقهی و کلامی مردم بوده و حوزه درس داشته است

موضع علما در بحران سوریه

علما و اندیشمندان سوری بویژه حوزه‌های علمیه سوریه موضع جدی در قبال دخالت‌های بیگانگان در بحران کشورشان گرفتند.

محمد حسین آل ایوب کارشناس مسائل سوریه در این باره می‌گوید: «در حوادث اخیر سوریه، حوزه‌های علمیه موضع روشنی داشتند، زیرا نمی‌شود گفت که در سوریه انقلاب روی داده است؛ باید بین بیداری اسلامی در کشورهایی چون مصر و تونس با حوادث کشور سوریه تفاوت قائل شویم، در آن کشورها حرکت صددرصد مردمی بود، اما در سوریه حرکت مردمی نبود بلکه محرک و عامل خارجی داشت. خود مردم سوریه مایل به این کار نبودند از همین رو حوزه‌های علمیه موضع گرفتند و با این‌ها همراه نشدند به حدی که طلبه‌های شیعه مورد تهدید و حمله و ترور قرار گرفتند».

توطئه جبهه غربی عربی

یکی از گزینه‌های جبهه غربی عربی صهیونیستی علیه ملت و نخبگان سوری ترور علمای حامی دولت سوریه بود. از جمله علمایی که در این دوران ترور شدند شیخ محمد سعید رمضان البوطی بود. بر اساس گزارش شبکه العالم «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه در رابطه با ترور این عالم دینی گفت: «موضع اصولی علمای دین و از جمله آن‌ها شیخ محمد البوطی موجب شکست توطئه‌ها و فتنه انگیزی‌هایی است که هدفش ایجاد فتنه طایفه‌ای در کشور است.علامه البوطی در حلب و دیگر علمای سوریه به همین دلیل ترور شدند».

شیخ البوطی، یکی از مهم‌ترین مراجع در جهان اسلام به شمار می‌آمد که آموزش دینی خود را در مدارس دمشق آغاز کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل به الازهر مصر رفت. او در آن جا از دانشکده شریعت، دکترا دریافت کرد. در سال ۱۴۲۵ قمری، در جشنواره بین‌المللی قرآن کریم در دبی به عنوان «شخصیت برگزیده جهان اسلام» از او تقدیر شد. شیخ البوطی از روز نخست آغاز اعتراض‌ها در سوریه، با آن مخالفت کرد و با انتقاد از تظاهر کنندگان از آن‌ها خواست: «به دعوت‌هایی که منبع آن‌ها مجهول است و می‌خواهند از مساجد برای فتنه و ایجاد آشوب در سوریه استفاده کنند، توجه نکنید». علامه البوطی در بخشی از خطبه‌های آخرین نماز جمعه خود در مسجد اموی دمشق می‌گوید: «جنایتکاران غرب در دل امید داشتند که به جای دولت بزرگ سوریه، ظرف چند ماه چهار کشور کوچک و متخاصم به وجود آید، اما نتیجه این تلاش‌ها چه شد؟ نزدیک به دو سال یا بیشتر، تنها کسی که در برابر این جنگ جهانی ایستادگی کرد، تنها یک ارتش از یک کشور بود. همین ارتش سوریه که امیدهای جنایتکاران غربی را به کلی بر باد داد، و اکنون این است دولتی که امروزه مستحکم‌تر و پایدارتر از قبل شده است».

ترور پی در پی علمای سوری

در حالی که جامعه سوریه هنوز در شوک خبر ترور شیخ البوطی قرار داشت، مسجد محمدی در منطقه الزاهرة دمشق شاهد یک عملیات تروریستی دیگر بود که طی آن شیخ عدنان صعب به شهادت رسید. یکی دیگر از علمای شیعه سوری که در سال‌های بحران سوریه به شهادت رسید، «سید ناصر العلوی» خطیب و امام جماعت حسینیه العلویه منطقه زینبیه و از فعالان سرشناسی بود که به خانواده‌های آسیب دیده کمک می‌کرد.

تروریست‌های تکفیری صهیونیستی داعش و دیگر گروه‌های افراطی که در سال‌های اخیر تحت عناوین مختلف جبهه النصره، احرار الشام، جیش الاسلام و... در منطقه از عراق تا سوریه قد علم کردند زاده تفکر افراطی وهابیت بوده و هستند. تفکری که امروز با حمایت دلارهای سعودی در اقصی نقاط عالم در حال انتشار است؛ اما علمای منطقه شام اعم از شیعه و سنی در طول سال‌ها بحران پیچیده سوریه نقش بسیار مهمی را در مقابله با افکار وهابی و رسوا کردن طرح‌های حامیان این افکار و ترویج اسلام ناب ایفا کردند.

روزنگار

دحوالأرض؛ روز تولد زمین!

معارف: امروز، بیست و پنجم ذی‌القعده، روز دَحْوُ الْأَرْض است. روزی که بنا به برخی روایات، زمین گسترانیده شده است. این روز در آموزه‌های اسلامی، از روزهای بافضیلت به شمار می‌رود و انجام دادن برخی اعمال عبادی مانند روزه و نماز در آن تأکید شده است.

کلمه «دَحو» به معنی گسترانیدن است و بر اساس روایات چون ابتدا آب زمین را فراگرفته بوده و سپس خشکی‌ها از زیر آب سربرآورده‌اند این روز، «دحوالأرض» نامیده شده است. همچنین بنا بر برخی احادیث و کتاب‌های تاریخی، نخستین جایی که از زمین سر برآورد، مکه یا کعبه بوده است.

گفته می‌شود در این روز اتفاقاتی برای برخی پیامبران بزرگ واقع شده است از جمله: نزول نخستین رحمت آسمانی بر آدم(ع)، نشستن کشتی نوح بر کوه جودی، تولد حضرت ابراهیم و تولد عیسی بن مریم(ع).

در آیات قرآن چگونگی «دحو الأرض» و زمان و مکان آغاز آن بیان نشده است. تنها در آیه سی‌ام سوره نازعات «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَالِکَ دَحَاهَا» یعنی«پس از آن، زمین را با غلتانیدن گسترد» به موضوع دَحو الأرض اشاره شده است. برخی مفسران، «بعد ذلک» را به معنی گسترش زمین پس از آفرینش آسمان تفسیر کرده‌اند. برخی هم آفرینش زمین را پیش از آسمان دانسته و «بعد ذلک» را به گونه دیگری تفسیر کرده‌اند.

دحوالارض از چهار روزی است که در تمام سال به فضیلت روزه گرفتن، ممتاز است و در روایتی آمده است که روزه‌اش برابر روزه هفتاد سال است؛ و در روایت دیگر کفاره هفتاد سال است و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را به عبادت به سر آورد برای او عبادت صد سال نوشته شود و هر چه در میان آسمان و زمین وجود دارد برای کسی که در این روز روزه‌دار باشد استغفار می‌کنند.

این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر شده و برای عبادت و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیاری است. برای این روز به جز روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل اعمال دیگری هم وارد شده است.

خواندن دو رکعت نماز در وقت ظهر؛ در هر رکعت بعد از حمد، پنج مرتبه سوره شمس بخواند و بعد از اتمام نماز بگوید:

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سپس بگوید: يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي وَ ارْحَمْنِي وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي وَ مَا عِنْدِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

همچنین خواندن دعای «اَللّهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَهِ ...» که در مفاتیح‌الجنان ذیل اعمال روز دحو الأرض موجود است.

زیارت حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) نیز در این روز شریف بسیار توصیه و تأکید شده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۳۲۷۱-۱۳۹۷/۰۴/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شیرمحمد فهمیده فرزند یعقوب بشماره شناسنامه ۲۸۶۱ صادره از تایباد در ششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۲۷۵،۸۵ متر مربع پلاک ۴۵۴ فرعی از ۱۲۵ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل قسمتی از مالکیت سلیمان معصومی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۰۶۲۹۰

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۰۵/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۰۵/۱۷

غلامرضا آقازاده-رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۳۱۰۷-۱۳۹۷/۰۴/۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه مسکین فرزند غلامرضا بشماره شناسنامه ۲۷۶ صادره از تایباد رد ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۱۴،۶۰ مترمربع پلاک ۳۰۰۰ فرعی مجزا شده از ۷۶۵ و ۱۰۳۸ فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامت مالکیت محمدیاری و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۰۶۲۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۰۵/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۰۵/۱۷

غلامرضا آقازاده-رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۳۲۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای براتعلی خدادادی جورقانی فرزند ایوب بشماره شناسنامه ۵ صادره از تایباد در ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۴،۳۳ متر مربع پلاک ۳۹۲ فرعی از ۲۵۰ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامت مالکیت غلام نبی بذرافشان و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۰۶۲۹۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۰۵/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۰۵/۱۷

غلامرضا آقازاده-رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک میاندوآب

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان های فاقد سند رسمی (موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه)

هیأت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص را تأیید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و آئین نامه اجرایی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاع و سایر صاحبان حقوق آگهی می شود و چنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف مدت ۲ ماه از انتشار اولین آگهی اعتراض خود رامستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب تسلیم نموده و باید یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند در غیر اینصورت سند مالکیت مورد قضایی متصرف براساس مدلول رأی صادره در حدود و مقررات صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

۱ – رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۳۰۰۶۰۰۱۹۲۳ مورخه ۱۳۹۷/۰۴/۲۸ تقاضای آقای مصطفی عباسی شیبلویی فرزند عین الله مبنی بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه باغ قسمتی از پلاک ۵۷ فرعی اصلی بخش ۵ مراغه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در قریه شیبلو علیاخربداری شده از آقای عین الله و خیرالله عباسی و وزارت راه ترابری اداره کل پرونده هیأت ۶۰۰ - ۹۶ به مساحت ۱۵۲۴۱/۳۶ مترمربع که برای آن پلاک ۵۶۰ فرعی تعیین شده است .۹۷۰۶۲۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول : روز چهارشنبه مورخه ۰۲/ ۰۵ /۱۳۹۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : روز پنجشنبه مورخه ۱۷ / ۰۵ /۱۳۹۷

خیری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب

«آگهی ابلاغ رأی عدم افراز»

در خصوص تقاضای خانم مهناز مخلوقی به طرفیت آقای امیر ربوبیان مبنی بر برافراز سهم مشاعی خودشان از پلاک ثبتی ۵۵۸۹- اصلی واقع در بخش یک مشهد که اسناد مشاعی آن‌ها صادر و تسلیم گردیده است برابر نامه شماره ۸/۹۷/۹۰۰۴ مورخه ۱۳۹۷/۳/۲۱ شهرداری منطقه ۸ اعلام می‌دارد از آنجایی که مساحت مورد درخواست کمتر از حد نصاب پاسخگویی برای افراز می‌باشد لذا هرگونه تفکیک و یا افراز مساحت فوق مغایر با ضوابط شهرداری می‌باشد بنابراین موضوع از صلاحیت رسیدگی در اداره ثبت اسناد و املاک خارج و باتفهیم ماده ۶- آیین نامه افراز، این گواهی که به منزله رد تقاضای افرازخواهان می‌باشد صادر می‌گردد نامبرده می‌تواند به استناد ماده دو قانون افراز و فروش املاک مشاع، از تاریخ ابلاغ، ظرف مدت ده روز به دادگاه شهرستان مراجعه نماید. لازم به ذکر است که مأمور ابلاغ این اداره جهت ابلاغ رأی عدم افراز به مالک مشاعی آقای امیر ربوبیان به محل اقامت وی بنا به اظهار متقاضی افراز مراجعه که به علت عدم حضور وی در محل امکان ابلاغ میسر نبوده و اخطاریه عودت داده شده است.

آ-۹۷۰۷۲۱۹
م.الف۳۳۴

رئیس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک مشهد
محمد نخعی

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۵۷۶/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۲۲۹۸
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۹۰۳ تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۵/۱۴

آگهی ابلاغ ماده کلاسه ۹۷۰۲۲۹۸

بدینوسیله به ۱-خانم زینب محمدی فرزند قاسم ش ش ۱۴۱۴ ۲-معصومه محمدی فرزند قاسم ش م ش ۰۹۲۰۱۰۶۴۹۸ ۳-آقای محمدرضا محمدی فرزند قاسم ش ش ۹۹۵ ۴-مجتبی محمدی فرزند قاسم ش ش ۱۹۷۴ ۵-خانم طاهره محمدی فرزند قاسم ش ش ۷۴۰۴۰ ۶-خانم خدیجه محمدی فرزند قاسم ش ش ۷۱۰۱۱ ۷-خانم ندا محمدی فرزند قاسم ش ش۱۷۱۴۵ ۸-خانم زهرا محمدی فرزند قاسم ش ش ۱۰۱۹۶ ۹-مرتضی محمدی فرزند قاسم ش ش ۱۰۲۱۸۱ -آقای سامان محمدی فرزند علیرضا ک.م۰۹۸۰۳۶۱۰۱۱ ۱۱-شایان محمدی فرزند علیرضا ک.م ۰۹۲۹۵۹۶۱۳۷ با قیمومیت آقای نیاز علی نیازی دیزاوندی ورثه مرحوم علیرضا محمدی ابلاغ می‌شود که خودرو سواری پژو۶۳۷ص۶۷ایران۳۶ و موتورسیکلت به شماره انتظامی ۹۲۵۳۳ایران۷۶۴ متعلق به مورث شما آقای علیرضا محمدی در قبال تعداد دوازده عدد سکه طلای بهار آزادی و حقوق دولتی بازداشت گردیده است لذا طبق ماده ۸۷ آیین نامه اجرای مراتب به شما اخطار می‌شود ضمناً هرگونه نقل و انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی‌شود. آ-۹۷۰۷۲۲۰ م.الف۳۳۵

اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۶۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۴۱۱۶/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۶۰۷۴۰۴
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۸۷۰
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۵/۱۴
دفترخانه ازدواج شماره ۸۷ شهر مشهد استان خراسان رضوی

آگهی ابلاغ اجراییه پرونده کلاسه ۹۶۰۷۴۰۴

بدینوسیله به آقای محمدعلی مقیمی یزدی فرزند احمد کدملی ۰۹۲۰۶۳۴۵۳۲ ابلاغ می‌شود که خانم آتنا غازی جهت وصول مهریه خود به تعداد ۱۱۴ عدد سکه طلای تمام بهار آزادی به استناد سند ازدواج ۱۷۹۹- ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ دفتر ازدواج ۸۷ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۶۰۷۴۰۴ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مأمور پست، به دلیل عدم شناسایی آدرس متن سند ابلاغ اجرائیه میسر نگردیده است. لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید عملیات اجرایی جریان خواهد یافت.

آ-۹۷۰۷۲۲۳ م.الف۳۳۶

اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۲۴۴/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۱۸۵۶
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۸۸۰
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۵/۱۴

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ پرونده شماره: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۲۴۴/۱

بدینوسیله اعلام می‌گردد آقای سعید دهقانی نام پدر: حسین تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۴/۲۰ شماره ملی: ۰۹۴۶۰۲۳۳۳۶ شماره شناسنامه: ۲۱۰۴ ابلاغ می‌شود خودرو پراید سواری سایپا ۱۳۲به شماره پلاک ۳۱۶ س ۱۱ایران۳۶ متعلق به شما در قبال طلب خانم افسانه احمدی بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آیین نامه اجرای مراتب به شما اخطار می‌شود ضمناً هرگونه نقل و انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی‌شود.

آ-۹۷۰۷۲۲۵ م.الف۳۳۷

مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۶۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۰۳۸/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۶۰۰۰۸۵
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۸۷۸
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۵/۱۴

آگهی ابلاغ رأی ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرا کلاسه ۹۶۰۰۰۸۵

بدینوسیله به بتول غفاری فرزند غلامرضا به شماره ملی ۰۹۰۰۰۸۵۴۸۷ و تارا حقیقی فرزند محمدحسن به شماره ملی ۰۹۴۰۰۳۷۷۰۱ و آنیتا حقیقی فرزند محمدحسن به شماره ملی ۰۹۲۲۹۶۳۸۱۹ ابلاغ می‌شود درخصوص پرداخت دین متوفی به نرخ روز یا تاریخ فوت موضوع پرونده اجرایی کلاسه فوق، نظریه رئیس ثبت به شرح بین الهلالین به شما ابلاغ می‌گردد. مقتضی است در صورتی که به نظریه مذکور اعتراض دارید، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ کتباً به شعبه/اداره اجرا اعلام نمایید. ضمناً به اعتراضی که خارج از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد. (نظر به اینکه طلب عین معینه است لذا تسعیر آن به نرخ روز در صورت درخواست بلامانع است مراتب به طرفین ابلاغ در صورت اعتراض برابر ماده ۱۶۹ آ.ا اقدام شود) آ-۹۷۰۷۲۲۶ م.الف۳۳۸

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۵۳۰/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۲۲۴۱
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۷۷۶
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۵/۱۱

آگهی ابلاغ

دفترخانه ازدواج شماره ۲۳ شهر مشهد استان خراسان رضوی

بدینوسیله به آقای مهدی چمی پا فرزند ابراهیم شناسنامه شماره ۵۲۷۱۹ صادره از مشهد ساکن قاسم آباد اول آزاده بین آزاده ۲و۴ پلاک ۸ ابلاغ می‌شود که خانم فاطمه دائی جهت وصول تعداد ۱۵۰ عدد سکه طلا تمام بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۶۵۹۸ دفتر ۲۳ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۷۰۲۲۴۱ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرایی جریان خواهد یافت. آ-۹۷۰۷۲۲۷ م.الف۳۳۹

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای جواد مظلوم فرزند رمضانعلی

خواهان خانم عذرا داوری پناه مطلق قوچانی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای جواد مظلوم به خواسته مطالبه نفقه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۷۶۰۱۶۰۰۵۰۶ شعبه ۹۲ شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شورای حل اختلاف شهرستان مشهد ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۱ ساعت ۹ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

آ-۹۷۰۷۱۹۰ م.الف۱۸۷۳۸

مسئول دفتر شعبه ۹۲ شورای حل اختلاف مجتمع میرزا کوچک خان شهرستان مشهد
نسرین امام وردی

آگهی

پیرو آگهی‌های منتشره در جراید بدینوسیله به ام البنین میشکار که مجهول المکان می‌باشد ابلاغ می‌شود طبق اجرائیه صادره در پرونده کلاسه ۹۶۰۳۷۸ به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۰۹۲۰۱۱۲۴ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ صادره از شعبه ۲۵۳ محکوم علیه محکوم به پرداخت مبلغ پنجاه میلیون ریال بابت وجه التزام از تاریخ ۱۳۹۵/۷/۵ لغایت ۱۳۹۵/۱۲/۵ و پرداخت حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و پرداخت مبلغ یک میلیون و ششصد و بیست هزار ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان می‌باشد. پرداخت نیم عشر حق اجرا و نیز هزینه‌های اجرایی بر عهده محکوم علیه می‌باشد. بدیهی است با توجه به غیابی بودن حکم، اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له، یا ابلاغ واقعی اجرائیه به محکوم علیه می‌باشد لذا مفاد اجرائیه صادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳ آ.د.م و ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کثیرالانتشار درج می‌گردد تا ظرف ده روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام گردد. در غی

جزئیات پیشنهاد اینتر به مودریچ

ورزش: در ایتالیا با اطمینان می گویند که مودریچ در مذاقات روز چهارشنبه با پورتو، رسما تقاضای جدایی خواهد کرد ولی هم تیمی های او در رئال، لوئیگی، سرمربی رئال و بیرز، رئیس باشگاه مراحل را ماندنی بودن مودریچ خبر داده اند. کوریره دلا سیوسرت جزئیاتی از قرارداد پیشنهادی اینتر به مودریچ را فاش ساخت. قراردادی که ۴ ساله است و دستمزد سالانه نیز ۱۰ میلیون یورو خالص خواهد بود. همچنین اینتر به مودریچ پیشنهاد داده است که پس از اتمام قرارداد که او در آن مقطع، ۳۷ ساله خواهد بود، به تیم جیانگو سانتیگ جین ملحق شود. تیمی که مالکیت آن در اختیار سهامدار اصلی باشگاه اینتر است.

نقشه رایولا برای بردن پوگبا به بارسلونا

ورزش: مینو رایولا، لجنت پل پوگبا، تلاش است که جایی ستاره فرانسوی از منچستریونایتد را نهایی کند. بوداپست می داند که لجنت پوگبا سعی دارد قرارداد جدیدی برای او به امضا برساند که حقوقش به هفته ای ۵۰۰ هزار پوند (حقوق فعلی الکسیس سانچس) برسد ولی این لیگ بارتیست که آینده ستاره ۲۵ ساله در اولدترافورد در شک و شبهه قرار دارد. رایولا که از انتقال تجویی پوگبا ۴۱ میلیون پوند به جسارت در ماه اژانویه مدعی شده بود که هر طی باشگاه‌ها از جمله منچستر سیتی به دنبال جذب پوگبا هستند. با تیره و تار شدن رابطه پوگبا و مورینیو در طول فصل گذشته، دیلی میل نیز مدعی شد که مورینیو به فکر فروش پوگبا در این تابستان است. پس از نظرات منفی مورینیو درباره پوگبا در طول جام جهانی، اوضاع بدتر نیز شد.

قرارداد ۹۲ میلیاردی عبدالرحمان و الهلال

ورزش: مبلغ قرارداد عمر عبدالرحمان با باشگاه الهلال ۲۲ میلیون ریال عربستان معادل ۹۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است.
این انتقال بر حالی رقم خورد که کمتر کسی باور می کرد مو فرفری فوتبال امارات از المین جدا شود چرا که در سال های اخیر پیشنهادات مختلفی از تیم های اروپایی برای او رسیده بود اما المینی ها هر قیمتی او را در چمدان نگه داشته بودند.
آی های ریاض یا پیشنهاد ۲۲ میلیون ریالی سراغ عمر عبدالرحمان آمدند و توانستند او را به خدمت گیرند. به عبارت دیگر قرارداد عموری و الهلال ۹۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است که بسیار شگفت انگیز به نظر می رسد.

صلاح: اوایل در انگلیس دائم تصادف می کردم

ورزش: صلاح با ۲۶/۹ میلیون پوند در سال ۲۰۱۷ رم به لیورپول پیوست. او گفت: چند هفته اول خیلی سخت بود، چندین بار در هنگام رانندگی تصادف کردم ولی حالا همه چیز بهتر شده است.
صلاح درباره جنجال لو رفتن آدرس خانه اش در مصر گفت: یک روز یک هوادار در خانه ام را زد و خواست که با من عکس بگیرد و من هم قبول کردم. چند دقیقه بعد، آن شخص با چند نفر دیگر آمد و درخواست عکس کردند و من هم قبول کردم. شب در را باز کردم و دیدم که یک اتوبوس آدم دم در هستند.

ضد حمله

سه تیم در انتظار رأی کمیته انضباطی
پرونده ترابی محرمانه است

ورزش: کمیته تعیین وضعیت بازیکن از ترابی دعوت به عمل آورده تا با حضور در فدراسیون فوتبال به توضیح در خصوص برخی ابهامات در مورد قرارداد با تراکتورسازی بپردازد. جلسه رسیدگی به پرونده مربوط به مهدی ترابی در محل کمیته وضعیت فدراسیون فوتبال تشکیل شد و از آنجائیکه محتویات این پرونده محرمانه تلقی می گردند، کمیته وضعیت و طرفین پرونده مجاز به ارائه اطلاعات در این باره نیستند. لازم به ذکر است: این پرونده کماکان در مرحله تحقیقات است و بدیهی است پس از پایان تحقیقات و نهایتا اتخاذ تصمیم، در خصوص موضوع، مراتب به صورت رسمی و از طریق سایت فدراسیون فوتبال اطلاع رسانی خواهد شد.

خانزاده یک هفته خانه نشین شد

ورزش: روزنامه العرب قطر خبر داد که محمدرضا خانزاده، مدافع ایرانی الاهلی قطر که در بازی با الریان مصدوم شده بود، یک هفته از میادین دور خواهد ماند. او در بازی هفته دوم تیمش مقابل قطر حضور نخواهد داشت.
خانزاده در دیدار با الریان در ترکیب اصلی الاهلی بود اما در دقیقه ۱۹ بازی مصدوم شد و زمین بازی را ترک کرد. امید ابراهیمی، دیگر بازیکن ایرانی الاهلی است.

استقلال - اتوئو تکذیب شد

ورزش: چند روزی است که خبرهایی مبنی بر آمدن ساموئل اتوئو مهاجم اسبق باشگاه بارسلونا که چند سالی است در ترکیه بازی می کند، به فوتبال ایران شنیده می شود. ابتدا نام تراکتورسازی تبریز برای پیوستن این مهاجم کامرونی به این تیم مطرح بود و برخی رسانه‌ها از حضور اتوئو در باشگاه استقلال تهران خبر دادند.
در همین راستا علی خطیر معاون ورزشی باشگاه استقلال گفت: «اصلا چنین چیزی مطرح نشده و ما امن بازیکن را نمی خواهیم».

پرسپولیس موفق ترین تیم در نقل و انتقالات

نود: سوال مسابقه نظرسنجی نود درباره انتقال موفق ترین تیم در فصل نقل و انتقالات تابستانی بود. برای پاسخ به سوال مسابقه نظرسنجی پنج گزینه در نظر گرفته شد و بازیکنان جدید و جدا شده این پنج تیم به طور جداگانه مورد شد. سپاهان اصفهان، پرسپولیس، استقلال تهران، تراکتورسازی و ذوب آهن اصفهان پنج گزینه مسابقه نظرسنجی برنامه نود بودند. در انتهای این برنامه با شرکت بیش از یک میلیون و ۵۲۰ هزار نفر در نظرسنجی، ۴۳.۵ درصد پرسپولیس را موفق ترین تیم نقل و انتقالات معرفی کردند و تراکتورسازی و استقلال با ۲۳.۷ و ۲۲.۸ درصد دوم و سوم شدند.

با قانون جدید
باشگاهی بازیکن سرباز جذب نخواهد کرد

ورزش: قانون جدید سربازی ورزشکاران ۲ رشته فوتبال، والیبال و بسکتبال رسانه‌های شد و طی آن مشخص شد که ورزشکاران این ۳ رشته در صورت بازی در لیگ برتر تا ۲۸ و در صورت حضور در تیم ملی تا ۳۰ سالگی می توانند از معافیت خود بهره‌مند شوند و خدمت سربازی خود را به تاخیر بیندازند. او در مورد اینکه با این وضعیت کدام باشگاه‌ها حق جذب بازیکن سرباز دارند، گفت: دیگر قانون به آن شکل نیست و تمام باشگاه‌ها تا سن مشخص شده می توانند بازیکن را در اختیار داشته باشند و پس از آن بازیکن باید آزاد شود و دیگر به آن شکل نیست که حضور خود را به عنوان بازیکن سربری کند.

شادی گل منشوری؛ این بار در استقلال!

قدس آنلاین: پس از آنکه فلیپه شادی گل منشوری بازیکنان استقلال تهران در جریان بازی استقلال - ذوب آهن از طریق کانال رسمی این باشگاه منتشر شد، دستمزدان مدیریت باشگاه استقلال به رفتار ناشایست بازیکنان نیمکت نشین در برابر دوربین هاشاره کردند و خواستار برخورد مسئولان رکن انضباطی فدراسیون فوتبال با بازیکنان متخلف شدند. این اتفاق در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی بازتاب وسیعی داشت به همین دلیل پیش بینی می شود کمیته اخلاق و کمیته انضباطی به این ماجرا ورود پیدا کنند تا با متخلفان این ماجرا برخورد کنند.

دروازه‌بان یک تیم ملی دروازه بان دوم در ترکیه

گرشاسبی: با بشیکتاش مذاکره نکرده‌ایم

ورزش: حمیدرضا گرشاسبی ، سرپرست باشگاه پرسپولیس درباره مباحث مطرح شده پیرامون مذاکره باشگاه بشیکتاش با پرسپولیس برای انتقال بیرانوند به این باشگاه ترکیه‌ای اظهار کرد: تا امروز از طریق باشگاه بشیکتاش مذاکره‌ای با ما انجام نشده است. شایعاتی درباره ناراحتی برانکو از بیرانوند مطرح شده و این احتمال وجود دارد که این دروازه‌بان کماکان در پرسپولیس نیمکت‌نشین باشد. سرپرست باشگاه پرسپولیس درباره این موضوع گفت: این‌ها همه شایعه است و من همه را تکذیب می‌کنم.

برانکو: جوک است

برانکو هم البته درباره شایعات مطرح شده پیرامون اختلاف نظرش با علیرضا بیرانوند، اظهار کرد: من نمی دانم که رسانه‌ها درباره چه موضوعی صحبت می کنند و این شایعات و اطلاعات را از کجا آورده‌اند. بیرانوند با ما قرارداد دارد و مشکلی در این زمینه وجود ندارد. او در ادامه و در واکنش به انتشار برخی شایعات پیرامون ناراحتی‌اش از بیرانوند هم، گفت: این جوک‌ها را خیلی وقت است که فراموش کرده‌ام.

کلز دوم بشیکتاش

گفته می شود در صورتی که اخبار رسانه های ترک به حقیقت بپیوندند و بیرانوند راهی بشیکتاش شود، رادموشویچ به انتخاب اول برانکو در درون دروازه تبدیل خواهد شد. او در ۲ بازی نخست به میدان رفت و ارزش هایش را با تیست ۲ کلین شیت و چند سیو نمایان کرد.

البته بیرانوند برای رفتن به ترکیه دچار تردید است چرا که خوب می داند تیم ترکیه‌ای او را برای دروازه‌بان دوم می خواهد. دروازه‌بان شماره یک تیم ملی در یکی دو روز اخیر رفتار عجیبی در تمرینات تیمش داشته و با هیچ یک از مربیانش صحبت نمی کند.
برانکو به خاطر همین مسائل اخیر و حواشی ایجاد شده در مورد نیمکت‌نشینی بیرانوند شاید تصمیم بگیرد در بازی با استقلال خوزستان خلاف میل باطنی‌اش عمل کند و دروازه‌بان شماره یک تیم ملی را در ترکیب اصلی قرار دهد. آنچه مشخص است فکر سرمربی پرسپولیس در مورد انتخاب اول دروازه‌بان تیمش حسابی درگیر است و باید دید او در نهایت چه تصمیمی می‌گیرد.

درویش وند در انتظار

تغییر دیگری که با جدایی بیرانوند انجام می شود، به ابوالفضل درویش وند اختصاص دارد. درویش‌وند در چند فصل اخیر همواره در سایه بیرانوند و رادموشویچ بوده و هیچگاه در یک بازی رسمی برای پرسپولیس بازی نکرده است. شاید به یاد ماندنی ترین اتفاق از این کلر جوان برای هواداران پرسپولیس، حضورش درون دروازه تیم اسلوونیایی در اردوی کروآسی و خوردن ۶ گل بود‌اثر صورتی که انتقال بیرانوند به زمستان موکول شود، احتمالا سرخ ها یک دروازه بان برای جایگزینی بیرانوند خواهند خرید.

★ از نیام تا گرو

انتقال مامه تیام از سری آ به لیگ برتر ایران، نقطه عطف استقلال شفر بود. تیام در اینتر و یوونه، به جایگاهی نرسید اما در این تیم‌ها، فوتبالش رشد کرد و در بلژیک، آمار گلزنی خوبی داشت. کیفیتی که با حضور او در ایران، به چشم آمد و مشکل حط حمله استقلال را بعد از مدت‌ها حل کرد. حالا با رفتن تیام، استقلال دو بازیکن بزرگ خریده تا جای خالی او را پر کنند. جانشین داخلی تیام، با استقلال قرارداد بسته و جانشین خارجی‌اش، فاصله زیادی تا توافق نهایی ندارد. بررسی کارنامه گرو در سال‌های اخیر اما خیلی استقلالی‌ها را امیدوار نمی‌کند.

ورزش: استقلالی ها که در ابتدای فصل نقل و انتقالات اسیر کوچ چند ستاره خود شدند و عملا نتوانستند ستاره بزرگی جذب کنند ناگهان توفانی وارد بازار شدند و در چشم برهم زدنی خریدهای خارجی خود را انجام دادند. خریدهایی پرسروصدا که در این بازار دلار شگفت انگیز بودند. نیمار، طارق و الاحاجی گرو آمدند تا جای جبارود، تیام و ابراهیمی را پر کنند.

★ از تیجر به سوند

گرو به لحاظ سنی، از تیام هم جوان‌تر است و در سن ۲۴ سالگی به لیگ برتر ایران آمده اما فوتبالش را در تبریز به یاد گرفته و پس از انتقال به سوند هم نتوانسته آمار فوق العاده‌ای داشته باشد. او وقتی ۱۹ ساله بود، به فوتبال سوئد منتقل شد تا پیراهن اوستزر را بپوشد. او در تیم فصل دوم لیگ ۲۰۱۲ سوئد، یک گل زد و یک گل ساخت. اوستزر در آن فصل سقوط کرد و حاجی در لیگ دسته دوم سوئد، توانست پیشرفت زیادی کند. ۸ گل و ۳ پاس گل در سال ۲۰۱۴، بهترین آمار حاجی در فوتبال سوئد است.

★ از سوئد به دانمارک

گرو پس از پایان لیگ سال ۲۰۱۴ سوئد، به دانمارک رفت تا در دسته دوم این کشور بازی کند. او نیمه دوم فصل ۱۵-۲۰۱۴ دانمارک، پیراهن پیوورگ را پوشید و با این تیم، قهرمان شد تا به سوپرلیگ دانمارک برسد. نقش حاجی در این تیم، چندان پررنگ نبود و او در ۱۵ مسابقه فقط یک گل زد. فصل بعد حاجی در سوپرلیگ دانمارک، نیمکت نشین بود و نیم فصل اول، هیچ بازی در ترکیب اصلی قرار نگرفت و زمانی که به عنوان بازیکن ذخیره به زمین رفت هم گلی نزد. الحاجی گرو پس از پایان نیم فصل اول، پیوورگ را ترک کرد تا به لیگ سال ۲۰۱۶ سوئد برسد و پیراهن اوستزشوندس را بپوشید. او در تمام لیگ، فقط ۳ گل زد و ۲ گل ساخت و گلزنان اول تیمش، قدوس و دایر بودند. سال ۲۰۱۷، اوضاع بدتر شد و او با دو گل زده در لیگ سوئد هشتمین گلزن اوستزشوندس بود. امسال هم در نیم فصل اول، گرو یک گل زده و یک پاس گل داده و باشگاه او را در لیست خروجی قرار داد. دو گل در لیگ اروپا، بهترین بخش آمار گرو در این فصل است.

★ آمار ناامید کننده

۷ گل در سه سال و نیم اخیر، آمار امیدوار کننده‌ای برای گرو محسوب نمی‌شود. او به صورت میانگین، در هر نیم فصل فقط یک گل زده و این آمار، انتظاری نیست که استقلالی‌ها از او دارند. البته فاصله سطح اول فوتبال سوئد و دانمارک با ایران، استقلالی‌ها را امیدوار کرده که او در لیگ برتر آمار متفاوتی ثبت کند. بازیکنی که اگر روی دور نیفتد، هزینه زیادی روی دست استقلال گذاشته و اگر روی فرم باشد، آخر فصل حساب بخشی از زیباترین گل های لیگ برتر خواهد شد.
جالب اینکه این بازیکن در این زمینه از هم تیمی خود در اوستزشوندس، سامان قدوس مشورت گرفته است. قدوس هم عنوان کرده استقلال تیم بزرگی است که ملی پوشان زیادی دارد.

«نیومایر» و طلسم هفت

ورزش: شماره هفت استقلال یک بار دیگر حاشیه پیدا کرد و قرار است مارتین نیومایر در ایسن فصل با این شماره پیراهن برای استقلال بازی کند. شماره هفت در استقلال پیراهن ویژه‌ای است؛ پیراهنی که با فرهاد مجیدی ارزش مضاعف پیدا کرد.
پیش از مجیدی هم بازیکنان بزرگی مانند محمد نوازی و مجید نامجومطلق در استقلال شماره هفت پوشیدند.
پس از خداحافظی فرهاد مجیدی از فوتبال، مدت‌ها این پیراهن بازنشسته بود و جالب اینکه در دو فصل اخیر هر بازیکنی که سراغ شماره هفت رفته ناکام مانده است.
پس از خداحافظی مدتی عنوان شد که کرار جاسم عراقی می خواهد از شماره هفت استفاده کند. مجیدی ناراحتی‌اش را از این بابت بروز داد و کرار هم پس از پوشیدن شماره هفت در تمرینات، قید آن را زد. در دو فصل اخیر اما داستان متفاوت شد. در لیگ شانزدهم شماره هفت استقلال پس از سال‌ها کنار ماندن به بختیار رحمانی رسید. بختیار نتوانست در استقلال خوش بدرخشد و تنها یک نیم فصل دوام آورد.
در فصل گذشته این اتفاق برای حسن بیت سعید رخ داد و او پس از چند ماه نامولفق در استقلال از شماره هفت جدا شد. پس از ناکامی بختیار و بیت سعید در استقلال در فضای مجازی موضوع طلسم شدن شماره هفت مطرح شد. باید دید نیومایر می تواند این طلسم را از بین ببرد و بازیکنی که پیراهن شماره هفت را در استقلال برتن دارد دوباره می تواند بدرخشد؟

روسوری به روزهای رؤیایی برمی گردد؟

میلان-مالدینی؛ اتحاد دوباره برای سربلندی

ورزش: باشگاه میلان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که کاپیتان سابق باشگاه، از این به بعد به عنوان مدیر استراتژی ورزشی و توسعه، فعالیتش را آغاز خواهد کرد. این یعنی پس از ۹ سال دوری از باشگاه، پائولو مالدینی، اسطوره باشگاه میلان به جمع مدیران باشگاه اضافه شد.
بازگشت او به تیمی، برگ برنده البوت(ملک باشگاه) است. قهرمان پنج چمپیونزلیگ، در سال‌های اخیر به شدت از باشگاه فاصله گرفته بود و حتی به منتقد تیم نیز تبدیل شده بود.

★ بنر اختلاف

رابطه نه چندان خوب و پیچیده مالدینی با هواداران دو آتشه باشگاه، علت اصلی بازگشت او بود. پس از حل لفظی و انتقادات از آنها، کاپیتان به یکی از اهداف بخش کوچک ولی موثر ورزشگاه تبدیل شد. بخشی از کوروا سود (دو آتشه های میلانی) بنری در ورزشگاه به نمایش گذاشتند و مدعی شدند که مالدینی به بازگشت کافی به اینها احترام نمی گذارد و این آنها بودند که باعث شهرت و ثروتمند شدن او بوده اند. در روز خداحافظی مالدینی بنر آنها برای فرانکو با رمسی، دیگر اسطوره باشگاه که رابطه نزدیکی با این بخش از ورزشگاه داشت شعار دادند.
مالدینی فکر می کرد که مدیران باشگاه می توانستند جلوی چنین اتفاقاتی ناخوشایندی را بگیرند و آدریانو گالیانی، مدیر اجرایی باشگاه نیز باید از او دفاع می کرد. در حقیقت او هیچگاه گالیانی را نبخشید و تلاش می میلان برای جذب مالدینی پس از بازنشستگی را ناکام گذاشت.

★ انقلاب آمریکایی

گروه آمریکایی مالک میلان به طرزی بی نظیر موفق بوده اند. مارکو فاسونه و ماسیمیلیانو میرابلی در کنار آقای لی، همگی اخراج شدند. در نتیجه مدت‌ها، البوت توانست محرومیت اروپایی باشگاه را لغو کند و حالا آنها می توانند قیمت را در لیگ اروپا شرکت کنند، رقابتی که تا به حال در آن بازگذاشته شد.
با بازگشت مالدینی، این انقلاب تکمیل شد و حالا میلان امیدوار تر از قبل به مسیر خود ادامه می دهد. آنها در تلاش هستند که با وجود تغییرات گسترده، بتوانند خیلی سریع به روزهای اوج خود که پس از مالدینی دیگر خبری از آنها نبود، برگردند.

مالدینی: من به میلان تعلق دارم

مالدینی با بیش از ۹۰۰ بازی برای روسونری و محبوبیتی غیرقابل توصیف در بین هواداران میلان گفت: مردم تغییر می کنند اما لئوناردو دوست بسیار خوبی برای من است و ما یکدیگر را تکمیل می کنیم.
۲۰ روز پیش و بلافاصله بعد از پست گرفتن در باشگاه میلان، لئوناردو با من تماس گرفت و من با اعضای باشگاه در نیویورک صحبت کردم و حالا نیز هیجان زده هستم که اینجا حضور دارم. من معمولا زیاد صحبت نمی کنم، اما حالا قرار است بیشتر از زمانی که فوتبالیست بودم حرف بزنم زیرا تفکر ما متفاوت هستند. من به این باشگاه تعلق دارم و فکر می کنم تجربه ام در میلان بسیار مهم خواهد بود. پروژه میلان و نقش من به شدت به هم مرتبط است. من هیچ تجربه ای در سطح مدیریتی ندارم، اما نزدیک بودن به لئوناردو برای من بسیار ارزشمند است و حالا میلان نظرات ما پیروی خواهد کرد.

در بازی‌های آسیایی

الهه احمدی
پرچمدار کاروان ایران شد

ورزش: ستاد های بازی ها در جلسه فوق العاده خود در مورد پرچمدار جدید کاروان ایران در بازی های آسیایی تصمیم‌گیری کرد و نهایت الهه احمدی از رشته تیراندازی به عنوان پرچمدار جدید کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا معرفی شد. پیش از این کیمیا علیزاده تنها بانوی مدال آور ایران در بازی‌های المپیک به عنوان پرچمدار کاروان ایران در هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی معرفی شده بود که روز یکشنبه ۴ مرداد ماه، در جریان تمرینات تیم ملی تکواندوی بانوان چارد مصدومیت شدید(پارگی رباط صلیبی) شد و بازی های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا را از دست داد. طبق گفته پزشکان او علیزاده به مدت یک سال از میادین مختلف دور خواهد بود.

آسمان خراش های جوان یک گام تا جهانی شدن

ورزش: در ادامه مسابقات بسکتبال جوانان آسیا که به میزبانی تایلند در حال برگزاری است، آسمان خراش های ایرانی به مصاف ژاپن رفتند.
این مسابقه که تکرار فینال دوره قبلی محسوب می شد، با برتری ۷۱ بر ۶۴ شاگردان محسن شاه علی همراه شد.
بدین ترتیب ایران هر ۲ بازی مرحله گروهی خود را با پیروزی پشت سر گذاشت و به عنوان صدرنشین به طور مستقیم به چهارم نهایی رفت.
با این شرایط بسکتبالیست های جوان ایرانی فقط یک گام تا جهانی شدن فاصله دارند. آن گام که احتمالا در دور بعدی با نیوزلند روبه رو می شوند، باید برای رسیدن به همیچ ۲ تیم برتر و کسب سهمیه جهانی از سد این تیم بگذرند.

لیلا رجبی پشت در مجموعه آفتاب انقلاب ماند!

ورزش: قهرمان سابق دوومیدانی زنان ایران از یک اتفاق عجیب و ناراحت کننده در مجموعه ورزشی آفتاب انقلاب گلایه کرد.
لیلا رجبی که با وجود اصلیت بلاروسی با پیراهن ایران در ۲ دوره المپیک حاضر شد و مدال نقره دوره قبلی بازی های آسیایی در سال ۲۰۱۴ را نیز در رشته پرتاب وزنه کسب کرد، از یک اتفاق عجیب نوشته است.
این ملی پوش سابق دوومیدانی که بعد از المپیک ۲۰۱۶ به خاطر برخی رفتارها دیگر حاضر نشد به کار در تیم ملی ادامه دهد، با گلایه از برخورد مسئولان از راه ندادنش به مجموعه ورزشی آفتاب انقلاب خبر داده است. تمرینات دوومیدانی کاران معمولا در این مجموعه که در شرق تهران واقع شده، برگزار می شود.

تحلیل کمیل و جردن برای پیشرفت کشتی

ورزش: جلسه سالیانه کمیسیون ورزشکاران اتحادیه جهانی کشتی با حضور کمیل قاسمی نماینده کشورمان در شهر رم ایتالیا برگزار شد.
در این جلسه جردن باروز قهرمان جهان و المپیک از کشور آمریکا، اودنایو اداکه کوروبه نماینده کشتی زنان از کشور نیجریه و نماینده اتحادیه جهانی کشتی به همراه قاسمی حضور داشتند.
کمیل قاسمی گفت: مسائل مختلفی از جمله پیشنهادات ایران در این جلسه مطرح شد.
قاسمی افزود: از مهمترین موارد مطرح شده می توان به وزن کشی کشتی گیران در صبح مسابقات و برگزاری مسابقات در دو روز، چگونگی انجام طرح سیستم رنکینگ و رتبه بندی کشتی گیران، وزن های کشتی زنان و برگزاری مسابقات با نام تیم ستارگان و با کشتی ستاره ها اشاره کرد.

خبر

۴ ایرانی بین برترین های والیبال قاره کهن قرار گرفتند
زرینی، ارزشمندترین بازیکن باشگاه های آسیا

ورزش: مسابقات والیبال قهرمانی جام باشگاه های آسیا در میانمار با قهرمانی خاتم اردکان نماینده ایران به پایان رسید. نماینده ایران که توانست به روند قهرمانی های اخیر تیم های باشگاهی کشورمان در قاره کهن در سال های اخیر تداوم ببخشد، در این رقابت ها در اکثر مسابقات به صورت قاطعانه و با نتیجه ۳ بر صفر به برتری دست یافت. بعد از پایان این رقابت ها مسئولان بر گزاری مسابقات بهترین ها را معرفی کردند که سهم خاتم اردکان ۴ بازیکن بود.
برترین های این مسابقات به شرح زیر است:
بهترین دریافت کننده اول: حسین امیری از ایران
بهترین دریافت کننده دوم: نتالین ابیات از قزاقستان
بهترین مدافع اول: عادل غلامی از ایران
بهترین مدافع دوم: گوئین از ویتنام
بهترین پشت خط زن: خان آیمال از پاکستان
بهترین پاسور: کاندولین از قزاقستان
بهترین لیبرو: مجتبی یوسفی از ایران
ارزشمندترین بازیکن: حمزه زرینی از ایران
به این ترتیب خاتم اردکان با حضور امیری، غلامی، یوسفی و زرینی بیشترین نماینده را در جمع برترین های این مسابقات داشت.

تیم ملی والیبال جوانان در AVC کاپ استارت می زنند

ورزش: جام کنفدراسیون والیبال آسیا از امروز به میزبانی چین تایپه با حضور ایران برگزار می شود.
جام کنفدراسیون والیبال آسیا (AVC کاپ) از ۱۷ تا ۲۴ مرداد در شهر تایپه پایتخت چین تایپه برگزار می شود.
پیش از این قرار بود تیم ایران در گروه B این رقابت ها به مصاف تیم‌های چین و چین تایپه برود ولی چینی ها به دلیل مشکلات سیاسی با میزبان، از حضور در رقابت ها انصراف دادند. پس از کناره گیری چین، گروه بندی مسابقات نیز تغییر کرد و ایران با استرالیا و چین تایپه همگروه شد. این موضوع البته اعتراض مسئولین تیم ایران را نیز به دنبال داشت زیرا طبق قوانین کنفدراسیون آسیا، در صورت انصراف یک تیم، نتایج بازی های آن تیم سه بر صفر به سود رقیبان اعلام می شود و نباید گروه بندی ها را تغییر داد.
چهارشنبه ۱۷ مرداد ساعت ۱۵:۳۰: ایران -چین تایپه
پنجشنبه ۱۸ مرداد ساعت ۱۵: ایران -استرالیا

آخرین وضعیت ملی پوشان بسکتبال از زبان شاهین طبع

ورزش: سرمربی تیم ملی بسکتبال با تاکید بر اینکه شرایط این تیم خوب است، گفت: در مورد کسب مدال بازی های آسیایی از هیچ قول و قراری حرف نمی زنم تمام تلاشم را مثل پوشان قدرت کادب داشتند. همزمان شاهین طبع گفت: می توانم بگویم شرایط ملی پوشان خوب است، در کل روندی که از چند ماه پیش برای حضور در مسابقات داشتیم اجازه جابه جایی و بازی های آسیایی را غارت کردیم، رضایت بخش پیش رفت. امیدوارم بتوانیم نتایج خوبی هم در بازی ها بگیریم، همان طور که در رقابت های انتخابی جام جهانی نتیجه گرفتیم.
وی گفت: به هر حال بسکتبال رشته پرخرجی است و احتمال ایجاد لیست دیدگی در آن برای بازیکنان خیلی زیاد است. در جریان اردوها و تمرینات که داشتیم، برخی بازیکنان جرأت اسیب دیدگی های شدید اما خوشبختانه همین کلی همه آن‌ها خوب است.

ورزش در سیما

پنجشنبه ۱۸ مرداد هفته سوم لیگ برتر ایران
ساپیای مازندران - پارس جنوبی هب
ساعت ۳۰:۲۰ زنده از شبکه ورزش

۱۸ مرداد هفته سوم لیگ برتر ایران
استقلال خوزستان - پرسپولیس
ساعت ۳۰:۲۰ زنده از شبکه سه

جمعه ۱۹ مرداد هفته سوم لیگ برتر ایران
استقلال - تراکتورسازی
ساعت ۳۰:۲۰ زنده از شبکه سه

جمعه ۱۹ مرداد هفته سوم لیگ برتر ایران
سایپا - پیکان
ساعت ۳۰:۲۰ زنده از شبکه ورزش

گزارش AFC از مرحله یک چهارم نهایی فوتسال قهرمانی باشگاه‌های آسیا
مس به دنبال صعود طلایی

ورزش: مس سونگون ایران را رم قرقیزستان از ساعت ۱۱:۳۰ امروز در چارچوب مرحله یک چهارم نهایی مسابقات فوتسال قهرمانی باشگاه‌های آسیا محسوب می‌شود. ایرانی‌ها با به تمر رساندن ۲۱ گل و به همراه چونیوری تایلند مدافع عنوان قهرمانی مسابقات، بیش از هر تیم دیگری دروازه رقبا را گشوده‌اند.
ارم قرقیزستان هم پس از پیروزی ۲ بر ۲ مقابل ویک وایبرز استرالیا در آخرین دیدار گروه، به عنوان تیم دوم گروه C به جمع هشت تیم نهایی بازی‌ها رسید. تقریباً تمیی از بازیکنان تیم ملی قرقیزستان در ارم توپ می‌زنند و قرقیزها تاکنون با صعود به مرحله حذفی، فراتر از انتظارات ظاهر شده‌اند. سرمربی ارم هم بازی مقابل مس سونگون را سخت‌ترین دیدار این تیم دانسته و گفته که تیمش به هدف اولیه خود در قهرمانی آسیا رسیده است.
AFC در بخشی دیگر از گزارش خود نوشته است: سال ۲۰۱۶ تنها فصلی بود که نماینده ایران از رسمین به جمع چهار تیم برتر مسابقات بازماند. در این سال تأسیسات دریایی پس از تساوی ۲ - ۲ مقابل ناگویا اوشنز ژاپن، در ضربات پنالتی شکست خورد و از دور مسابقات کنار رفت. مس سونگون تنیس نخستین حضور خود را در مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا تجربه می‌کند.

ورزش: مس سونگون تیمی قدرتمند در قهرمانی باشگاه‌های آسیا محسوب می‌شود. ایرانی‌ها با به تمر رساندن ۲۱ گل و به همراه چونیوری تایلند مدافع عنوان قهرمانی مسابقات، بیش از هر تیم دیگری دروازه رقبا را گشوده‌اند.
ارم قرقیزستان هم پس از پیروزی ۲ بر ۲ مقابل ویک وایبرز استرالیا در آخرین دیدار گروه، به عنوان تیم دوم گروه C به جمع هشت تیم نهایی بازی‌ها رسید. تقریباً تمیی از بازیکنان تیم ملی قرقیزستان در ارم توپ می‌زنند و قرقیزها تاکنون با صعود به مرحله حذفی، فراتر از انتظارات ظاهر شده‌اند. سرمربی ارم هم بازی مقابل مس سونگون را سخت‌ترین دیدار این تیم دانسته و گفته که تیمش به هدف اولیه خود در قهرمانی آسیا رسیده است.
AFC در بخشی دیگر از گزارش خود نوشته است: سال ۲۰۱۶ تنها فصلی بود که نماینده ایران از رسمین به جمع چهار تیم برتر مسابقات بازماند. در این سال تأسیسات دریایی پس از تساوی ۲ - ۲ مقابل ناگویا اوشنز ژاپن، در ضربات پنالتی شکست خورد و از دور مسابقات کنار رفت. مس سونگون تنیس نخستین حضور خود را در مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا تجربه می‌کند.

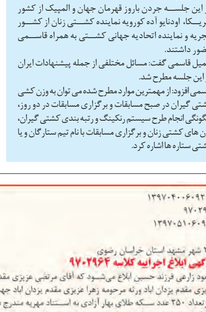

آسمان خراش های جوان یک گام تا جهانی شدن

ورزش: در ادامه مسابقات بسکتبال جوانان آسیا که به میزبانی تایلند در حال برگزاری است، آسمان خراش های ایرانی به مصاف ژاپن رفتند.
این مسابقه که تکرار فینال دوره قبلی محسوب می شد، با برتری ۷۱ بر ۶۴ شاگردان محسن شاه علی همراه شد.
بدین ترتیب ایران هر ۲ بازی مرحله گروهی خود را با پیروزی پشت سر گذاشت و به عنوان صدرنشین به طور مستقیم به چهارم نهایی رفت.
با این شرایط بسکتبالیست های جوان ایرانی فقط یک گام تا جهانی شدن فاصله دارند. آن گام که احتمالا در دور بعدی با نیوزلند روبه رو می شوند، باید برای رسیدن به همیچ ۲ تیم برتر و کسب سهمیه جهانی از سد این تیم بگذرند.

در بازی‌های آسیایی

الهه احمدی
پرچمدار کاروان ایران شد

ورزش: ستاد های بازی ها در جلسه فوق العاده خود در مورد پرچمدار جدید کاروان ایران در بازی های آسیایی تصمیم‌گیری کرد و نهایت الهه احمدی از رشته تیراندازی به عنوان پرچمدار جدید کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا معرفی شد. پیش از این کیمیا علیزاده تنها بانوی مدال آور ایران در بازی‌های المپیک به عنوان پرچمدار کاروان ایران در هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی معرفی شده بود که روز یکشن

گفت و گو با محمد ملتجی به بهانه آغاز به کار سیزدهمین دوره جشنواره «تئاتر مردمی بچه‌های مسجد» در قزوین

تئاتر مسجدی نیاز جامعه ماست

عکس: تزئینی است

ادب و هنر/خدیجه زمانیان | سیزدهمین جشنواره تئاتر بچه‌های مسجد از امروز در شهر قزوین آغاز به کار کرده است. تئاتر مسجد که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی توسط هنرمندان بسیجی احیا شد آرام آرام توانست به یکی از شاخه‌های تئاتر تبدیل شود و هنرمندان بسیاری را پرورش دهد. اتفاقی که خیلی خوب شروع شد، اما در ادامه راه به دلیل بی توجهی‌ها به محاق فراموشی رفت. امروز به انگیزه آغاز به کار سیزدهمین جشنواره تئاتر بچه‌های مسجد با محمد ملتجی یکی از پایه گذاران این تئاتر به گفت‌وگو نشستیم و در خصوص کم و کیف این تئاتر و تغییراتی که این شاخه تئاتر داشته و مسیری که پیموده است، گپ زدیم. محمد ملتجی روز خبرنگار را به جامعه خبری تبریک گفت و اصرار داشت این تبریک در ابتدای گفت‌وگو منتشر شود.

بذر تئاتر مسجد

بستر فعالیت‌های هنری بچه‌های مسجد با پیروزی انقلاب اسلامی رقم خورد. جبهه‌ای که انقلاب اسلامی برای فرهنگ و هنر ایجاد کرد، سربازان اصلی و نیروهای اصلی آن نیروهای مسجدی بودند. در زمینه فرهنگ و هنر هم لازم بود همین طیف ایفای نقش کنند و امور را به دست بگیرند همانطور که غائله کردستان و گنبد و مسائلی که در اوایل سال ۶۰ رخ داد توسط بچه‌های مسجد رفع و رجوع و مدیریت می‌شد.

قرار بر این شد در زمینه هنر هم همین نیروهای مسجدی پیش‌رو باشند، آن‌ها هم به صحنه آمدند و در مساجد به اجرای تئاتر پرداختند و چهره‌های خوبی تحویل جامعه تئاتر دادند. حسین فدایی، حسین پارسایی و دکتر مجید سرسنگی همه بچه مسجدی بودند که در آن زمان بنا به ضرورت و اهمیت کارهای فرهنگی انقلاب جشنواره تئاتر مساجد را راه اندازی کردند و بستری برای تربیت نیروی هنر انقلابی فراهم کردند. دهه ۶۰ و ۷۰ اوج فعالیت بچه‌های مسجد بود. من به عنوان هنرمند مسجدی نمایش هایی مثل «همراه» را با نوری، هنرمند جانباز کار می‌کردیم که توانست رکورد اجرا را در ایران بشکند.

بیش از ۳۶۰۰ اجرا در کشور داشتیم. نمایش‌های ما با ضبط تلویزیونی همراه بود. یادم هست که شبکه دو سیما تله تئاتر از تئاترهای ما پخش می‌کرد. موضوعات این تئاترها اجتماعی، مذهبی، دفاع مقدس و عرفانی بود و همگی مورد توجه مخاطب قرار می‌گرفت. همه این‌ها در فضای مسجد و با کم‌ترین امکانات اجرا می‌شد و استقبال هم می‌شد. ما از عوامل و عناصر صحنه‌ای که لازمه تئاتر هست، محروم بودیم، اما این هنر را داشتیم نمایشی را به صحنه ببریم که هم عوام بپذیرد و هم خواص بفهمند.

تئاتر مسجد مورد توجه هنرمندان امروز نیست

تئاتر مسجد با این پیشینه آغاز به کار کرد، اما الان هیچ نشانی از آن در بدنه تئاتر حرفه‌ای کشور وجود ندارد. الان چقدر نیروهای مسجدی و جوان‌های مذهبی و مردم مذهبی با تئاتر انقلابی و دینی ارتباط برقرار می‌کنند و به طور کلی جایگاه تئاتر انقلابی کجاست؟ من که به عنوان عضو شورای نظارت بر تئاتر مشهد فعالیت می‌کنم می‌بینم در تئاتر امروز، نمایش‌های مسجدی، مذهبی و موضوعات ارزشی زیاد مورد توجه نیستند و خلأ این موضوعات را احساس می‌کنم. ما هنرمندان تئاتر مسجدی نمی‌خواهیم شعار دهیم و حرف‌های تکراری بزنیم، ما برای تئاتر باید برنامه و هدف داشته باشیم. بدنه تئاتر امروز دست گروه‌های غیرمردمی است و متاسفانه حمایت مسئولان از تئاتر هنرمندان مسجدی کم است و در این زمینه فعالیت حرفه‌ای و جدی انجام نمی‌شود. اگر بخواهیم در راستای بهبودی و غنی‌تر شدن تئاتر مسجد گام برداریم نیاز به برنامه ریزی و پرورش نیرو داریم. در این بهسازی هم مسئولان نقش دارند و هم هنرمندان. الان تئاتر رشد زیادی کرده است، اما متون ارزشی همپای موضوعات دیگر رشد نداشته‌اند و هنرمندان تراز اول به این متون بی توجه هستند. من به عنوان عضو شورای نظارت بر تئاتر مشهد در طول سال یک متن مذهبی و یا متن نمایشی که متناسب با فرهنگ مسجد باشد، نمی‌بینم. در حالی که اعتقاد ما بر این است تئاتر قالب بیانی است و باید برای گسترش فرهنگ دینی در این حوزه سرمایه‌گذاری کنیم. تئاتر مسجد نیاز جامعه ماست، اما نگاه ما به دین و مسائل مذهبی نگاهی سطحی است در حالی که اگر بخواهیم شناسه‌ای از دین به نسل امروز ارائه دهیم باید از این ابزار استفاده کنیم.

تأثیر برگزاری جشنواره‌ها

برگزاری جشنواره هایی با موضوع مسجد بسیار در گسترش این نوع تئاتر تأثیر گذار است. باید گام‌های کوچک را هم غنیمت شمرد و از آن‌ها به نفع خودمان استفاده کنیم. یادم می‌آید در زمان جنگ در شهر سوسنگرد که عراقی‌ها به این شهر نزدیک بودند عابری گفت: در پیاده رو نمایشگاه عکس بگذاریم. من گفتم: در این بحبوحه نمایشگاه عکس جواب نمی‌دهد. او گفت اتفاقاً هر خلأیی که هست من و تو باید پر کنیم و گرنه دشمن پر می‌کند. حرف او در گوشم هنوز هست و الان و در این زمانه هنوز هم به کار می‌آید. به هر حال برگزاری جشنواره تئاتر مساجد عاقلانه‌تر از برگزار نکردن آن است؛ اما حالا که چنین بستری مهیا شده است نباید سطحی باشد و باید با برنامه ریزی و مطالعه همراه باشد تا بتواند در عرصه تئاتر کشور قد علم کند و جریان ساز باشد. وقتی حرکتی مثل حرکت جشنواره تئاتر مسجد شروع می‌شود، باید مستمر باشد. متون تولیدی توسط نهادهای مختلف در اختیار گروه‌های تئاتری قرار بگیرد. آموزش به جوان هایی که وارد تئاتر مسجد می‌شوند خیلی مهم است. باید برای این هنرمندان طوری برنامه ریزی شوند تا در آینده وارد تئاتر حرفه‌ای شوند. ارتقای سطح علمی این هنرمندان خیلی اهمیت دارد چون هنرمند مسجدی به معنای فعالیت در مسجد نیست او باید تفکر علمی مذهبی داشته باشد، تئاتر دینی را بشناسد و برایش ارزش قائل باشد، تحقیق و مطالعه کند تا وقتی وارد بدنه تئاتر حرفه‌ای شد با تفکر مسجدی و انقلابی گفتمان ایجاد کند.

امیدواریم در جهت ارتقای تئاتر مسجد به برگزاری جشنواره اکتفا نشود و هنرمندان و مسئولان به همه این موارد توجه کنند چون ما متأسفانه در نویسندگان حرفه‌ای و نویسندگان تراز اول کشورمان هنرمند مسجدی کم داریم و تئاتر مسجد با گذشت این همه سال و شروع درخشانش آنچنان که باید شکوفا نشده است.

تئاتر مسجد چگونه ارتقا پیدا می کند؟

تنها راه ارتقای این تئاتر این است که هنرمندان تئاتر مسجد با همه طیف‌های تئاتر و هنری مرتبط شوند، چون این ارتباط هم موجب شکوفا شدن نگاه و تفکر او می‌شود و هم موجب گسترش و جاری شدن تفکر او میان طیف‌های مختلف هنری. این بده بستانی است که باید رخ دهد تا تئاتر مسجد رشد و پیشرفت کند چون به هر حال مسئله دین و مسجد به یک طیف خاصی مربوط نیست و برای همه مردم ایران عمومیت دارد. همه مسجد را می‌شناسند و این جنس هنر را درک می‌کنند.

آنچه می‌خوانید

الان چقدر نیروهای مسجدی و جوان‌های مذهبی و مردم مذهبی با تئاتر انقلابی و دینی ارتباط برقرار می‌کنند و به طور کل جایگاه تئاتر انقلابی کجاست. من که به عنوان عضو شورای نظارت بر تئاتر مشهد فعالیت می‌کنم می‌بینم در تئاتر امروز، نمایش‌های مسجدی، مذهبی و موضوعات ارزشی زیاد مورد توجه نیستند و خلأ این موضوعات را احساس می‌کنم. ما هنرمندان تئاتر مسجدی نمی‌خواهیم شعار دهیم و حرف‌های تکراری بزنیم ما برای تئاتر باید برنامه و هدف داشته باشیم. بدنه تئاتر ما چیز دیگری است و حمایت مسئولان از این نوع کارها کم است و در این زمینه فعالیت حرفه‌ای و جدی انجام نمی‌شود

یادداشت

یادداشت نیلوفر بختیاری بر مجموعه‌قصیدهٔ «سیاه‌مست سایهٔ تاک» مرتضی امیری اسفندقه

غم تازه را بیمی از باستان نیست!

در روزگار ما قصیده از مهجورترین شکل‌های شعر پارسی است و سرودنش همت و شجاعت می‌طلبد. قصیده‌ای که مانند دیگر قالب‌های کهن شعر پارسی امروز، آماده است تا جامهٔ نو به تن کند. در این میان قصیده‌های یکی از معدود قصیده‌سرایان روزگار ما؛ مرتضی امیری اسفندقه که بتازگی در مجموعه‌ای به نام «سیاه‌مست سایهٔ تاک» منتشر شده است، گواه و گویای این معناست.

اگر قصاید مرتضی امیری اسفندقه را از مجموعهٔ «چین ِکلاغ» تا «سِوا شب»، که هر دو در «سیاه‌مست سایهٔ تاک» جمع‌آوری شده‌اند، آن‌گونه که شاعر از آن نام می‌برد، قصیده‌واره بنامیم، گویی اشارتی است به آن‌که این شعرها هم قصیده‌اند و هم در عین حال نیمایی و نو:

«منم دوباره و تازه قصیده‌ای از نو
منم دوباره و از نو قصیده‌ای تازه»
(ص ۱۱۲)

شاعر این مجموعه، از قصیده با عباراتی چون «بابا کلان»، «پیر شعر»، «پدر پیر»، «شمس» و... یاد می‌کند و قصاید خود را در عین باستانی‌بودن، عاری از عادت باستان می‌داند. شعری که از قصاید بازاری کهن بیزار است:

«شعر من باستانی‌ست، اما
عاری از عادت باستان شد
رفت آن دوره‌ای که به تزویر
شعر، بازار بازارگان شد»
(ص ۱۸۲)

اما این تفاوتِ جهان‌بینی به معنی بریدن کامل از ریشه‌های محکم و تنهٔ استوار قصیده نیست و در این قصاید نیز به رسم قصیدهٔ کهن، تغزل و تشبیب، شریطه و دعا و... به‌شیوه‌ای دیگرگونه یافت می‌شود و بهره‌گیری شاعر از واژگان کهن، به اصالت و استحکام قصاید او منجر شده است:

«وام از بندی یمگان به ادب می‌گیرم
دیدم و نیز ببین مَیدهٔ۱ من فخفره۲ شد»
(ص ۲۱۰)

تلمیح به قصص قرآنی، وقایع دینی و مذهبی، شعر شاعران، نام‌ها و مکان‌های فراوان در این قصاید دیده می‌شود که نتیجهٔ آن گشودن فضایی بی‌کرانه از ادب پارسی به روی مخاطب است:

«ابلیس و فریبِ مار و طاووس
حوّا و هبوطِ تلخِ آدم»
(ص ۳۰۵)

«پای پیاده در سفرِ رزمِ اشکبوس
فرمان بده که رستمِ نام‌آور آورند»
(ص ۲۳۱)

موازنه، تضاد و طباق، اشتقاق و شبه‌اشتقاق، تکرار و تصدیر و... از جمله آرایه‌های لفظی است که با بسامد بالا در این قصاید مورد استفاده قرار گرفته است.

در کنار این خصایص زبانی، برخلاف تصور رایج پیرامون قصیده، بسیاری از ویژگی‌های زبانی و بیانی شعر معاصر در قصاید مجموعهٔ «سیاه‌مست سایهٔ تاک» وجود دارد. از آن جمله می‌توان به استفاده از واژگان محلی، اصطلاحات و عبارات عامیانه، بیان روایی و... اشاره نمود.

در محتوای این اشعار نیز با تنوع و وسعت نگاه شاعر روبه‌رو هستیم. برخی از این مضامین شامل نهیب به خود، شعر و شاعری، دغدغه‌های دینی، حماسی و عاشقانه می‌شود. نکتهٔ قابل توجه آن‌که این اشعار، گاه خطاب به شخصیت‌های برجسته ادبی ـ هنری سروده شده‌اند و سنت مدح‌گونه‌بودن قصیده را به شکلی متعالی حفظ کرده‌اند. در پایان، خواندن و پای در راه این قصاید نهادن را به دوستداران شعر اصیل پارسی توصیه می‌کنم.

پانوشت:
۱-مَیده: نوعی نان که متمولان و اعیان خورند.
۲- فَخفره: نان جوی فقیرانه.

ادبیات

فروش ۳۵ هزار جلد «خداحافظ سالار» در پویش روشنا

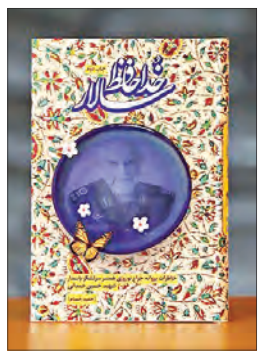

تسنیم: کتاب «خداحافظ سالار»، خاطرات همسر سردار شهید حسین همدانی است که حمیدحسام، نویسنده برجسته دفاع مقدس آن را به رشتهٔ تحریر درآورده است. دهمین دوره پویش مطالعاتی روشنا که با محوریت این کتاب در حال برگزاری است، تاکنون بیش از ۳۵ هزار جلد از این اثر را توزیع کرده است.

کتاب «خداحافظ سالار» خاطرات پروانه چراغ نوروزی از همراهی با همسرش در روزهای مبارزه است، داستان این کتاب از سال ۱۳۹۰ آغاز می‌شود که شهید همدانی خانواده خود را در اوج بحران سوریه که دمشق در آستانه سقوط بود، آگاهانه به دمشق می‌برد. زندگی شهید همدانی مملو از حادثه، مجروحیت، گمنامی و کارهای بزرگی است که ناشناخته مانده، بخشی از کتاب «خداحافظ سالار» به خاطرات و نقش شهید همدانی در تأسیس سه لشکر سپاه در سال‌های دفاع مقدس و مأموریت‌های متعددی از جمله حضور وی در آفریقا و در نهایت دفاع از حرم اهل‌بیت(ع) در سوریه می‌پردازد.

کتاب

«الف لام خمینی» رونمایی می‌شود

فارس: آیین رونمایی از کتاب«الف لام خمینی» دوشنبه (۲۲مردادماه) با حضور جمعی از اهالی قلم و مسئولان فرهنگی در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری برگزار می‌شود.در آیین رونمایی این کتاب، حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری، حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی و هدایت‌الله بهبودی در مورد کتاب «الف لام خمینی» سخنرانی می‌کنند.کتاب «الف لام خمینی» از سوی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شده است و با معرفی خاندان امام خمینی(ره) آغاز می‌شود و سیر زندگی روح‌الله را از تولد، نشو و نما، تحصیل در زادگاه، ادامه درس آموزی در اراک و مهاجرت به حوزه علمیه قم پی می‌گیرد.می توان این زندگینامه را به دو بخش کلی تقسیم کرد. اول، زندگی علمی حضرت روح الله خمینی (ره) در قم که بیش از ۴۰ سال از عمر او را در بر گرفت. امام خمینی در این چهار دهه درس گرفت، درس داد، نوشت و ماترک چشمگیری از منشورات و شاگردان به جا گذاشت. دوم، زندگی سیاسی حضرت امام است که از اواسط سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز می‌شود و با فراز و نشیب‌های فراوان شانزده سال بعد، به پیروزی نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌رسد.

۹۷۰۷۳۱۲۱

خبر

مسعود نجابتی:

نمایشگاه گرافیک مذهبی حاصل ۴۰ سال تجربه است

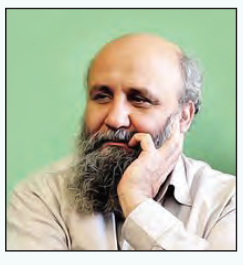

فارس: نمایشگاه آثار منتخب گرافیک مذهبی با حضور جمعی از مسئولان و هنرمندان کشور همچون سیدمسعود شجاعی طباطبایی مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، کوروش زارعی مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، مسعود نجابتی مدیر عامل انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس و جمعی دیگر از هنرمندان کشور، در حوزه هنری افتتاح شد.

مسعود نجابتی مدیر گروه هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس در حاشیه این مراسم گفت: نمایشگاه آثار منتخب گرافیک مذهبی حاصل ۴۰ سال تجربه هنرمندان عرصه تجسمی کشور در موضوعات دینی است و به همت آقای وزیریان جمع‌آوری شده است.وی اظهار کرد: در خاطر دارم که سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، آثار گرافیک در چه شرایطی بود؛ فکر می‌کنم امروز هم به لحاظ کمیت و هم کیفیت، آثار تجسمی و پوستر کشور ارتقا پیدا کرده است.نجابتی گفت: هنرمندان گرافیک کشور که آثارشان در نمایشگاه گرافیک مذهبی به نمایش درآمده است، نگاه دقیق و موشکافانه‌ای به آثار قدما و دوره‌های تاریخی داشته‌اند و برخورد جدیدی با موتیف‌ها، نقوش و خطوط شده است.

گفت‌وگو با محمدحسین جعفریان درباره «مزار شریف» تنها فیلم سینمایی مربوط به فاجعه ۱۷ مرداد ۷۷

چه کسی ما را کشت؟

سیما و سینما/ زهره کهندل

فیلم مزار شریف داستان کشتار دیپلمات‌های ایرانی در کنسولگری ایران در شهر مزار شریف افغانستان است. در سال ۱۳۷۷ زمانی که نیروهای طالبان شهر مزار شریف را به تسلط خود در آوردند، گروهی از دیپلمات‌های ایران در ساختمان کنسولگری پناه گرفتند اما نیروهای طالبان آن‌ها را شناسایی کردند و به شهادت رساندند. در این میان یک دیپلمات به نام شاهسوندی به شکل معجزه‌آسایی موفق به فرار از مهلکه می‌شود و سعی می‌کند خود را به مرز ایران برساند. این فیلم ماجرای فرار این دیپلمات‌های نجات یافته را روایت می‌کند. درباره این فیلم که سال ۹۳ به کارگردانی عبدالحسین برزیده و با حمایت حوزه هنری ساخته شد و تنها فیلم بلند داستانی از فاجعه سال ۷۷ مزارشریف است با محمدحسین جعفریان، مستندساز خوب کشورمان که در دوره‌ای رایزن فرهنگی ایران در افغانستان بوده‌است، گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

◆ آقای جعفریان! فیلم مزار شریف تنها فیلم داستانی ساخته شده درباره واقعه شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف است، به نظر شما این فیلم توانسته آن واقعه تاریخی را به خوبی به تصویر بکشد؟

فیلم مزار شریف محصول حوزه هنری است. زمانی که این فیلم ساخته شد من در دفتر ادبیات پارسی زبانان حوزه هنری مشغول به کار بودم و در جریان ریز و درشت ساخت این فیلم هستم. از مدت‌ها قبل همه خواهان این بودند که سینمای ایران توجه جدی به همسایه شرقی خودش داشته باشد.

بیش از چهل سال است که مردم کشور ما میزبان بیش از ۳ میلیون همسایه همزبان هستند اما شناخت درستی از میهمانان خودشان ندارند. مردم تشنه‌اند که درباره میلیون‌ها افغانستانی که در کنار خودشان دیده‌اند، بیشتر بدانند، مردمانی که فراز و فرودهای زیادی را در کنار هم داشتیم و سال‌های انقلاب و دفاع مقدس در کنار ما بودند. عمده معرفی رسانه‌های ما از مردم افغانستان به عنوان کارگران کوره‌پزخانه‌ها و کارگران ساختمانی بوده و از جامعه نخبگانی، تاریخ غنی آن‌ها، جغرافیای سحرآمیز این سرزمین و نوابغ آنجاحرفی زده نشده‌است.

جامعه رسانه‌ای کشور و نوابغ عرصه هنر دیدند که مخاطب و تقاضا در این حوزه فراوان است اما عرضه محدود، به همین دلیل فیلم‌های مختلفی قبل از مزار شریف ساخته شد از «گلچهره» بگیرید تا «چند متر مکعب عشق». حوزه هنری هم به صرافت افتاد که این فیلم ساخته شود و می‌خواست که نگاهش معطوف به داخل کشور هم باشد به همین دلیل به واقعه شهادت دیپلمات‌ها در ۱۷ مرداد سال ۷۷ پرداخت.

◆ با توجه به حساسیت موضوع و لوکیشن کار که می‌بایست در افغانستان باشد، ساخت این اثر با چه شرایطی روبه‌رو بود؟

خب پرداختن به این موضوع بسیار سخت بود چون علاوه بر اینکه می‌توانست یک فیلم سینمایی خوب از آن در بیاید اما یک موضوع تاریخی پیچیده هم بود و این مشکل وجود داشت که از نقل شفاف واقعیات تخطی شود و اطلاعات لازم به دلیل برخی از محدودیت‌ها و مصلحت‌های امنیتی در اختیار سازندگان قرار نگیرد.

دسترسی به آن جغرافیایی که حادثه در آن رخ داده بود هم برای تیم سازنده چندان میسر نبود و اگر بود، همراه با سختی‌های بسیار بود و آن‌ها تحمل این سختی را نداشتند. این‌ها باعث شد که همه نگران شوند که این کار چطور ساخته می‌شود. به یاد دارم که بارها برخی بزرگان سینمای انقلاب به من پیغام دادند که آقای جعفریان سراغ تیم سازنده بروید و این‌ها را تنها نگذارید چون ممکن است محصولی تولید شود که با تمام هزینه‌ها و زحمات، کار مقبولی از آب در نیاید.

یکی از کارگردان‌های سرشناس کشور به من زنگ زد که تو برو و اگر آن‌ها بی تفاوتی می‌کنند، بازهم شماسخت نگیر و کنارشان باش.

مدیریت حوزه هنری هم مدام می‌گفت که به صورت مشاور در کنار تیم تولید باش اما درعمل از طرف تیم سازنده درخواست همکاری با من نشد.

موضوعی که می‌خواستند فیلمش را بسازند بخشی از زندگی من و اتفاقی بود که برای دوستان صمیمی من رخ داده بود. من دو روز قبل از آن حادثه، مزار شریف را ترک کرده بودم.

◆ ضمن اینکه پیش از این هم شما یک مستند تحلیلی درباره این حادثه ۱۷ مرداد سال ۷۷ مزارشریف ساخته بودید؟

همین طور است، من یک مستند کامل در این باره ساختم باعنوان «چه کسی ما را کشت؟» که تهیه کننده و سفارش دهنده آن هم حوزه هنری و البته حوزه خراسان جنوبی بود و با محوریت سردار شهید«محمد ناصر ناصری» ساخته شد و به این حقیقت پرداختیم که چه کسانی بچه‌های ما را در مزار شریف به شهادت رساندند.

انتظار جامعه و مردم ازفیلم سینمایی مزارشریف اما این بود که علاوه بر اینکه یک فیلم سرگرم‌کننده درباره جغرافیا و مردم کشور همسایه می‌بینند، این گره تاریخی هم برایشان باز شود که به راستی در صبح ۱۷ مرداد سال ۱۳۷۷ در کنسولگری ایران در مزار شریف چه واقعه‌ای رخ داد و بچه‌های ما چطور و به دست چه کسانی به شهادت رسیدند. این‌ها باعث شد که حوزه هنری روی این موضوع سرمایه گذاری کند. شاید تا آن تاریخ در حوزه هنری فیلمی با این هزینه تولید ساخته نشده وشایداین فیلم گران‌ترین فیلمی بود که در حوزه تا آن تاریخ ساخته می‌شد. کار ساخته شد و به نمایش درآمد اما آنچنان که انتظار می‌رفت، مورد استقبال مخاطبان قرار نگرفت. خیلی‌ها می‌گفتند که مستند «چه کسی ماراکشت؟» باآنکه دانشگاه به دانشگاه و مسجدبه مسجداکران شد مورد استقبال بیشتری قرار گرفت.

> **برش**
>
> انتظار جامعه و مردم ازفیلم سینمایی مزارشریف اما این بود که این گره تاریخی برایشان باز شود که به راستی در صبح ۱۷ مرداد سال ۱۳۷۷ در کنسولگری ایران در مزار شریف چه واقعه‌ای رخ داد و بچه‌های ما چطور و به دست چه کسانی به شهادت رسیدند

◆ دلایل اینکه از فیلمی با این رقم سنگین ساخت در گیشه استقبال نشد، چه بود؟

علل آن را می‌توان در چند بخش طبقه بندی کرد. با آنکه ساخت این کار بسیار طول کشید، اما درعمل و نهایتاً عجولانه جمع شد یعنی در فواصلی از زمان و چند هفته‌ای که بودجه به تیم می‌رسید، کار می‌کردند ولی وقتی امکانات از آن‌ها دریغ می‌شد، کارشان متوقف می‌شد. بعضی از عوامل در این فواصل به تیم اضافه می‌شدند و برخی هم حذف می‌شدند مثلاً دو نفر از بازیگران افغان از آغازتا اواسط کار همراه تیم تولید بودند ودر اواسط کارحذف شده و یکی که نقشی هم داشت اگر دقت کنید با یک دیالوگ از اواسط فیلم ناپدید می‌شود، آن‌ها به دلیل نارضایتی که داشتند، حاضر به ادامه همکاری نشدند و نقش‌شان را رها کردند. این قبیل جزئیات باعث شد که به فیلم آسیب برسد. یکی دیگر از دلایلی که جذابیت‌های فیلم متجلی نشد، این بود که تمام صحنه‌ها در ایران ضبط شده بود و حتی یک پلان هم درافغانستان و مزار شریف گرفته نشد، در حالی که این شهر برای مخاطب ایرانی بسیار سحرآلود و جذاب است. معروف است که امام علی(ع) در مزار شریف مدفون است و این مسئله برای شیعیان بسیار اهمیت دارد اما به این مسئله حتی به صورت حاشیه‌ای هم در این فیلم پرداخته نشد، البته تیم سازنده تلاش کرد که به افغانستان برود اما به دلیل اینکه مدیران پشتیبانی کننده در ایران شاید از راه درستی برای اقناع دوستان افغانستانی وارد نشدند، سفارت افغانستان در دادن ویزاها تعلل کرد. بنابراین گروه فیلمساز نتوانستند به افغانستان بروند. یک پلانی حیاتی در این فیلم جایی بود که آقای شاهسوند قبل از اینکه راه بیفتد که از مرز خارج شود همراه با خانواده افغانستانی که او را در این فرار همراهی می‌کنند به حرم امام علی (ع) در مزار شریف می‌رود.

ولی سازندگان فیلم مزار شریف نتوانستند این پلان را ضبط کنند. از سوی دیگر چفت و بست کار به درستی صورت نگرفت و لذا تصمیم‌گیری نهایی برای مخاطب سخت شده بود که ازخلال این اثر دریابد چه اتفاقی در مزار شریف رخ داده است؟ بخش‌های زیادی از فیلم مبهم بود و بخش‌هایی هم به دلیل نداشتن مشاور خوب، بویژه در بخش‌های پایانی، بزن درو ساخته شد. قسمت‌هایی از فیلم هم حاوی مطالبی بود که بخشی از مخاطب افغانستانی را دلگیر می‌کرد. اصولاً در فیلم‌هایی که فیلمسازان ایرانی درباره موضوعات خارج از کشور می‌سازند لازم است مشاوری که بر تاریخ، ادبیات، حساسیت‌ها، خلقیات و آداب و رسوم آن منطقه احاطه کامل دارد در کنار تیم سازنده باشد. فیلم‌هایی درباره سوریه و لبنان ساخته شده و دیالوگ‌ها و صحنه‌هایی وارد فیلمنامه شده که در کشور مقصد، بهنجار نیست. درمواردی این فیلم‌ها وقتی در جامعه هدف پخش شده، مردم آن کشور را ناراحت یا عصبانی کرده‌است. حتی در موردی شنیدم، نمایش یکی از مشهورترین این فیلم‌ها در سوریه و لبنان ممنوع شده‌است.

◆ در فیلم مزارشریف شاهد گاف هایی ازاین دست هم هستیم، بویژه در لهجه بازیگران که لهجه فارسی دری را به درستی صحبت نمی‌کنند؟

بله، در فیلم مزار شریف رگه‌هایی از این معضل وجود دارد به طور مثال در فیلمنامه یک شخصیت خائن بین افغانستانی‌ها وجود دارد که در شهر مزار شریف به فرار دیپلمات ایرانی کمک می‌کند و اما در نهایت او را به طالبان لو می‌دهد.

نام این شخصیت منفور و جاسوس در فیلم، «شفیع دیوانه» گذاشته شده است. کسانی که تاریخ معاصر افغانستان را بشناسند، می‌دانند که شفیع دیوانه یکی از فرماندهان محبوب و مهم در بین عمده هزاره‌های افغانستان و در شاخه‌ای از حزب وحدت اسلامی بوده که از قهرمانان آن‌ها محسوب می‌شود و هنوز هم شیفتگان بسیار پروپاقرصی دارد اما این گاف بزرگ در فیلم وجود داشت که معلوم می‌شد کسی واقف به این موضوع بوده و احتمالاً کینه‌ای از شفیع دیوانه داشته، چون او مخالفان بسیاری هم در آنجا داشت و دارد. احتمالاً حین تدوین فیلمنامه کسی که تاریخ افغانستان را می‌دانسته و در جبهه مخالف وی بوده است، از بی خبری دوستان سازنده استفاده کرده و نام این شخصیت خائن را شفیع دیوانه گذاشته است. از این دست ایرادات، متأسفانه در فیلم کم نیست. مشکل دیگر صحنه‌های فیلم بود که چون امکان نمایش جغرافیای واقعی شهرها و روستاهای افغانستان را نداشته‌اند، عمده اتفاقات در کوه و بیابان محض رخ می‌دهد. لهجه‌ها در این فیلم، ایرادات اساسی دارد و همواره بین لهجه تهرانی و کابلی در نوسان است درحالی که بسادگی قابل کنترل بود. به نظر می‌رسد اگر از راهش می‌رفتند، گرفتن تصاویر در داخل افغانستان هم امکان پذیر بود. به نظرم فرصت بزرگی که بچه‌های انقلاب داشتند تا با یک کارگردان حرفه‌ای، اثری را درباره کشور افغانستان بسازند، بدبختانه خیلی راحت از دست رفت. کما اینکه فروش این فیلم حتی هزینه‌های خودش را تأمین نکرد.

امیدوارم در دفعات بعد اگر مجموعه‌های انقلابی سراغ چنین موضوعاتی می‌روند، مشاورانی در کنار خودشان داشته باشند که این حساسیت‌ها کمتر شود و شاهد اثری باشیم که به نیازهای تاریخی ما پاسخ درستی بدهد.

حاشیه یک

مظلوم‌ترین شهدای تاریخ انقلاب اسلامی

شهدای ما در مزار شریف، مظلوم‌ترین شهدای تاریخ انقلاب اسلامی هستند. این بچه‌ها تا دوران طولانی به خاطرمسائل امنیتی، زحماتشان و حتی جایگاهشان گفته نمی‌شد.

به باور بسیاری، دستور به ماندن دیپلمات‌های ما در مزار شریف در مرداد ۱۳۷۷ و در حالی که جنگ تمام عیاری آنجا در گرفته بود، تصمیم غلطی بود و در مستند «چه کسی ما را کشت؟» به این تصمیم‌گیری نادرست وعواقب تأسفبار آن به تفصیل پرداخته شده است.

دلخواه آن مجموعه‌ها و افراد ذی نفوذ در این تصمیم اشتباه این بود که نام این بچه‌ها هیچ وقت مطرح نشود چون با زنده شدن یاد این شهدا اشتباه وحشتناک آن حلقه تصمیم گیرنده که به واقع کارشان باعث این فاجعه شد، به یاد مردم می‌آمد. اما با فراموش شدن شهدای مزارشریف این موضوع هم از یادها می‌رفت، فیلم مزارشریف اما نام آن شهدا را در تاریخ این سرزمین زنده نگه داشت و از این منظر باید دست‌بوس کسانی بود که این سوژه را طرح کرده و برایش هزینه کردند تا این واقعه تاریخی را جاودانه کنند.

امید داشتیم که این حادثه به خاطر اهمیتش در کتاب‌های درسی بیاید که نیامد، اما حوزه هنری در این حد تکلیف خودش را ادا کرد. حالا اگر حرفی از فاجعه مزار شریف شود، حداقل می‌توان به نسل بعدی گفت که یک فیلم سینمایی و یک فیلم مستند در این باره ساخته شده‌است و بروید آن‌ها را ببینید.

حاشیه دو

۱۷ مرداد به نام روز شهدای دیپلمات نام‌گذاری شود

روز ۱۷ مرداد با یک بدسلیقگی به نام روز خبرنگار نام‌گذاری شد در حالی که از مجموع ۹ شهید مزارشریف، تنها یک نفر خبرنگار بود و بقیه دیپلمات بودند. بهتر این بود که این روز به عنوان روز شهدای دیپلمات نام‌گذاری می‌شد، چون شهدای بخش دیپلماسی ما، شهدای غریبی هستند، ما شهدای دیپلمات مظلومی در بوسنی، یمن، سوریه، پاکستان، لبنان و دیگر کشورها داشتیم. بهترین روز همین روز بود که ۸ دیپلمات در یک روز شهید شدند و نام‌گذاری چنین روزی باعث می‌شد تا مدیران دیپلماسی و دستگاه وزارت خارجه ما را متوجه کند تا در مواقع خطیر از تصمیمات فی البداهه و غیرکارشناسی خودداری کنند. از سوی دیگر حق این شهدا ادا می‌شد. اما امروز می‌بینید که از ۹ شهید مزار شریف، فقط «شهید محمود صارمی» عزیز را می‌شناسند در حالی که سردار «شهید محمدناصر ناصری» نظر به سوابق در حد شهید چمران، عامل و کوشا بود و در قواره خارجی‌اش انصافاً با شخصیتی همچون چگورا قابل مقایسه است.این فیلم از آنجاکه باعث شد این واقعه فراموش نشود، یک امتیاز بزرگ دارد و نقصش اما آن است که چندان به بقیه شهدای مزارشریف نمی‌پردازد و فقط قصه دیپلمات نجات یافته را روایت می‌کند.ای کاش مشاورینی کمک می‌کردند تا پنجره‌ای در این فیلم گشوده می‌شد و نام و چهره این شهدا با حفظ روال داستانی اثر، بیشتر دیده می‌شد. کما اینکه تیم سازنده بعد از ساخت فیلم به این نتیجه رسیدند و در مراسم رونمایی این فیلم از خانواده شهدای فاجعه ۱۷ مرداد سال ۷۷ دعوت شد. در واقع سازندگان این فیلم، چنین دغدغه‌ای داشتند اما اگر تدبیری اندیشیده می‌شد که این موضوع در فیلم هم پررنگ‌تر می‌شد شاید ادای دین کوچکی به این شهدای مظلوم بود.

خبر

نگاهی به نامزدهای بیستمین جشن خانه سینما

خبر آنلاین: نامزدهای بیستمین جشن سینمای ایران که امسال به ریاست علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت سینما برگزار می‌شود، چند روز پیش اعلام شد تا مشخص شود در این دوره از جشن کدام فیلمسازان، بازیگران، تهیه‌کنندگان و عوامل فنی سینما با یکدیگر برای جوایز این جشن به رقابت می‌پردازند.

با نگاهی به فهرست نامزدهای اعلام شده توسط هیئت داوران جشن خانه سینما به نکاتی می‌توان رسید. اولین نکته مطرح شده در خصوص این فهرست توجه داوران به دو فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» ساخته وحید جلیلوند و «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی است و این دو فیلم در ۱۰ رشته مختلف نامزد دریافت جایزه شدند.

نکته مهمی که در میان اسامی فیلم‌هایی که برای جشن امسال نامزد دریافت جایزه شدند به چشم می‌خورد، حضور تعدادی از آثاری است که در جشنواره فیلم فجر سال گذشته حضور نداشتند و حالا اینجا نامشان در میان نامزدهای اصلی دیده می‌شود.

برای نمونه فیلم «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی که در جشنواره سال گذشته نبود، امسال در جشن خانه سینما در چند رشته اصلی نامزد دریافت جایزه شده است.

مورد دیگر اما اشتراک برخی از نامزدهای جشن خانه سینما با جشنواره فیلم فجر است، برای مثال فیلم «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا که در جشنواره فیلم فجر سال گذشته برخلاف همه انتقادهایی که به آن شد در چند رشته نامزد شد در جشن خانه سینما هم نامش در چند رشته اصلی دیده می‌شود.

حضور یک فیلمنامه کمدی در رقابت با اجتماعی‌ها هم در بین نامزدهای فیلمنامه نویسی قابل تأمل بود.

علی زرنگار و وحید جلیلوند برای «بدون تاریخ، بدون امضا»، رضا مقصودی و افرا جورابلو برای «خجالت نکش»، مانی حقیقی برای «خوک»، فرید مصطفوی و ابوالحسن داودی برای «زادبوم»، امیر عربی برای «سارا و آیدا» و رضا درمیشیان برای «عصبانی نیستم» نیز نامزدهای بهترین فیلمنامه امسال جشن خانه سینما هستند.

حضور انیمیشن فیلشاه در بین نامزدهای موسیقی قابل توجه بود، البته ناگفته نماند که نامزدهای بخش‌های فیلم کوتاه، انیمیشن و مستند جشن خانه سینما هنوز اعلام نشده‌اند و قرار است طی روزهای آینده نام آن‌ها نیز در اختیار رسانه‌ها قرار بگیرد.

روی دیوار

هادی مقدم‌دوست سریال «سرباز» را کلید زد

فارس: حمید نعمت الله و هادی مقدم دوست که پیش از این سریال «وضعیت سفید» به نویسندگی آن‌ها و به کارگردانی حمید نعمت‌الله از شبکه سه سیما پخش شده بود،دوباره سریال جدیدی را به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی می‌سازند و این بار مقدم دوست در مقام کارگردان در پروژه حضور خواهد داشت.

«سرباز» عاشقانه‌ای حماسی است که از مدتی قبل در محله ستارخان و در سکوت خبری کلید خورده و در ۴۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای برای شبکه سه سیما تولید می‌شود.

این سریال حکایت سرباز وظیفه‌ای به نام یحیی و همسرش یلدا و رفقای هم خدمتی‌اش است. در خلاصه داستان «سرباز» آمده است: در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع/ شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

آرش مجیدی، الیکا عبدالرزاقی، جمال اجلالی، اسماعیل محرابی، علی هاشمی، افسانه کمالی، فرحناز منافی ظاهر، جواد خواجوی، مهتاب ثروتی و... از بازیگرانی هستند که تاکنون حضورشان قطعی شده است و بازیگران دیگر نیز بتدریج به پروژه خواهند پیوست.

سایر عوامل سریال «سرباز» عبارتند از: نویسنده:حمید نعمت الله، هادی مقدم دوست/ دستیار کارگردان: سعید بیات/ مدیر برنامه‌ریزی: وحید کاشی/مدیر تولید: حمید حاجی‌زاده/مدیر تصویربرداری: محسن فلاحی/ صدابردار: علی عدالت دوست/ طراح صحنه و لباس: بابک پناهی/ طراح گریم: مرتضی کهزادی/ مدیر تدارکات: محمد علی محمدی/ منشی صحنه: رضا بقایی/ عکاس: حسن هندی/ مشاور رسانه‌ای: نیکان نصاریان/ مجری طرح: مؤسسه فرهنگی هنری وصف صبا.

«سرباز» محصول مشترک گروه فیلم و سریال شبکه سه سیما و سازمان سینمایی انقلاب و دفاع مقدس (قرارگاه مهارت آموزی) است.

نمایش مستند شفاخانه شاهرضا در پردیس سینمایی هویزه

سیما و سینما: انجمن فیلمسازان انقلاب اسلامی با همکاری حوزه هنری خراسان آیین رونمایی از فیلم مستند «شفاخانه» را برگزار می‌کند.

فیلم مستند «شفاخانه» به نویسندگی و کارگردانی عبدالرضا رحمانی نسب، روایت شصت دقیقه‌ای پویا و تصویری از تاریخ پزشکی ایران و پیشینه تاسیس و توسعه بیمارستان امام رضا(ع) با نام قدیمی «شاهرضا» در مشهد است که در مهر سال ۱۳۱۳ همزمان با جشن هزاره فردوسی افتتاح شد. این آیین در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ساعت ۱۶ در پردیس سینمایی هویزه برگزار خواهد شد. حضور برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

روایت روزهای آغاز جنگ تحمیلی در سریال «تک‌سواران»

باشگاه خبرنگاران: سریال «تک سواران» به کارگردانی مسعود تکاور و با حضور بازیگرانی چون کامران تفتی و جعفر دهقان کلید خورد.

سریال تک سواران نوشته نوشین پیرحیاتی، به کارگردانی مسعود تکاور و تهیه کنندگی افشین صادقی که به سفارش گروه نوجوان مرکز سیما فیلم تولید می‌شود، اوایل هفته کلید خورد.

در این سریال بیش از ۱۰۰ بازیگر اصلی و فرعی حضور دارند که از بازیگران اصلی این سریال می‌توان به کامران تفتی، جعفر دهقان، بهمن‌دان و فریبا متخصص اشاره کرد. روایت روزهای آغاز جنگ تحمیلی در سریال «تک‌سواران»/ حکایت دلاورانی که به دل دشمن تاختند.

این سریال که داستانش در بستر زمانی اواخر دهه ۵۰ شمسی و روزهای آغازین جنگ تحمیلی رخ می‌دهد، روایتگر دلاوری‌های عشیره‌های مرزنشین در روزهایی است که دشمن ظالمانه به مرزهای این سرزمین حمله کرد و با دفاع غیرقابل انتظار نیروهای مردمی رو به رو شد.

این سریال که در ۲۶ قسمت تولید می‌شود، پنج ماه پیش تولیدش به طول انجامید و بخش‌های مهمی از لوکیشن‌های این سریال توسط گروه طراحی صحنه در پنج منطقه از اطراف تهران و شهرک دفاع مقدس ساخته شد.

اصلاحیه

روز گذشته ۱۶مرداد ۹۷ در صفحه سیما و سینما مطلبی با عنوان «۱۰۰ میلیارد تومان به بیت‌المال برگردانده‌ایم» چاپ شد که به این وسیله اعلام می‌شود عبارت «بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان پول به بیت‌المال برگردانده‌ایم» صحیح می‌باشد.

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۷
۲۵ ذی‌القعده ۱۴۳۹ | ۸ آگوست ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۷۵۳

روزمره نگاری

و خدا حواسش هست...

ایستگاه/ رقیه توسلی| به سمت صدا برمی گردم... کودک درونم است.

برعکس خودم، خیزان و خندان و قبراق و پُرحرف... جوری عالی، که کیف می‌کنم از رضایتی که چشم هایش دارد... از اینکه یک تکه از من، این اندازه شاد است!

چند قدم پیش می‌آید و با سلام می‌گوید: گفتم با اینکه جمع تان با مانیتور و موبایل و کاغذ و خودکار، حتماً جمع است، اما به هرحال بیایم کادویتان را بدهم. گله‌ای هم ندارم، می‌دانم سرتان شلوغ است. هدیه را می‌دهد و می‌خواهد برود که می‌گویم بمان لطفاً... سه خبر ننوشته، دو تا بارگذاری نکرده، یک گزارش نصفه، صد تا زنگِ نزده و یک یادداشتِ نزاییده دارم، اما بی خیال، بیا قصه این جعبه را تعریف کن.

مشتاقانه روز خبرنگار و نویسنده را تبریک می‌گوید و ادامه می‌دهد: آخ که من چقدر از این چند سال کودک درون شما بودن خاطرات دارم. شغل تان اصلاً مرا هم پیر کرد عزیزم و بعد حسابی می‌خندد.

صورت متعجب و ابروهای بالاداده‌ام را که می‌بیند، حق بجانب می‌گوید: ادارات! جلسات! مصاحبه ها! گوشه نشینی ها! تابستان‌ها و زمستان ها...! تایپ سرعتی! قطعی اینترنت! ناسزا به زمین و آسمان که چرا بین n تا حرفه به روزنامه روی خوش نشان داده‌ای...! که یک چکّه وقت چرا در بساط نداری، اما رنج تا دلت بخواهد! که اسکناس برایت غمزه می‌آید و مرارت از سر و کولت بالا می‌رود! و از فرطِ عشق، مدام به جدایی فکر کرده‌ای. به طلاق خودکار و ستون ثابتِ و حقوق نامرئی!

باز بگویم یا یادتان آمد خانوم خبرنگار...؟

متبسّم، هدیه کودک درون را باز می‌کنم... روان نویس را بین انگشت هایم می‌چرخانم... فیروزه‌ای چشمنوازی دارد.

غرق مینیاتور خودم، آرام می‌گویم به زحمت افتادی. سلیقه ت معرکه است!

به سمتم می‌آید و مهربان زمزمه می‌کند: لطفاً خسته نشو و همیشه بنویس... قلم و جوهر، تو را دوست دارند... و خدا به هر کلمه‌ای که به دنیا می‌آوری، حواسش هست... لطفاً دست نکش از این مَرهم‌های خط خطی.

کودک درون می‌رود و من می‌مانم و پرونده باز شب بیداری و لپ تاپ و عکس و مصاحبه و نقد و سوژه و سؤال و روان نویس فیروزه‌ای و ده‌ها تبریک هفدهمین روز مرداد.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

کباب شدن کره خاکی

هفته نامه «ویک» در تازه‌ترین شماره خود مانند برخی از نشریات مشهور به گرمایش شدید زمین و به تبع آن آتش‌سوزی‌های مهیب می‌پردازد. این نشریه با انتخاب «در حالی که جهان می‌سوزد» دقیقاً همان تیتری که هفته گذشته نشریه اشپیگل چاپ آلمان از آن استفاده کرد، طرح جالبی را روی جلد خود برده که کره زمین را در حال کباب شدن نشان می‌دهد. این نشریه می‌خواهد ببیند آتش سوزی‌های اخیر و دمای هوای بی سابقه چه چیزی درباره تغییرات آب و هوایی کره زمین ارائه می‌دهد.

فروپاشی

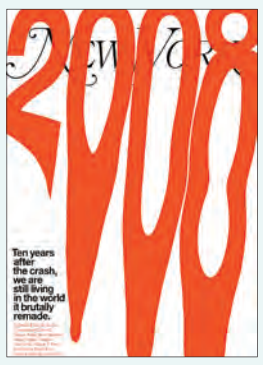

نشریه «نیویورک» که هر دو هفته یک بار به چاپ می‌رسد در تازه‌ترین شماره خود با طرحی جاه طلبانه بر جلد خود به دهمین سالگرد فروپاشی اقتصادی در آمریکا می‌پردازد. ۱۲ مقاله نویس برتر اقتصادی در تحلیل خود از بحران شدید اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۰۸ معتقد هستند همچنان در جهانی زندگی می‌کنیم که نتوانسته خود را به شرایط عادی برگرداند و اگر اتفاقی مشابه آن فروپاشی در هر کدام از کشورهای پیشرفته بیفتد نباید تعجب کرد.

و اینک... خورشید

هفته نامه «ساینس» که از آن به عنوان بزرگ‌ترین مجله علمی جهان نام می‌برند، در تازه‌ترین شماره خود جدیدترین یافته‌ها پیرامون خورشید را به چاپ رسانده است.

ساینس با انتخاب تیتر «اینک خورشید می‌آید» که برگرفته از آهنگ مشهوری به همین نام از گروه بیتل‌هاست، می‌گوید سه رصد خانه بزرگ جهان با یکدیگر در حال همکاری هستند تا بتوانند دید جدید از منظومه خورشیدی ارائه کنند. این نشریه کشف دریاچه‌ای با شکل خاصی از آب در مریخ را نیز زیر ذره‌بین برده است.

گزارش از شخص

از «خوی» تا «نجف»

آیت‌الله «سید ابوالقاسم خویی» ۱۷ مرداد ۱۳۷۱ دارفانی را وداع گفت

ایستگاه/ مجید تربت زاده| مناسبت‌ها فقط بهانه‌اند. یعنی فرض کنید امروز بیست و ششمین سالگرد رحلت آیت‌الله «سید ابوالقاسم خویی» نیست! اما با اولین نگاه به زندگی و سرگذشت ایشان، باز هم دلایل زیادی برای اینکه گزارش از شخص شان را بنویسیم پیدا می‌کنید. یکی از اثرگذارترین مراجع تقلید در نیمه دوم قرن بیستم، هم پُرمقلدترین مرجع دوران خودش است و هم زندگی و پرونده مرجعیت‌اش، مملو از موضع گیری‌های ضد استبدادی و ضد استکباری است. با این همه، بیشترین شبهات تاریخی درباره مراجع مختلف نیز پیرامون شخصیت او شکل گرفته است.

دلیل اینکه شبهات و شایعات تا این اندازه، زندگی و شخصیت یک مرجع بلند مرتبه را محاصره می‌کنند و گاه آن را در لایه‌ای از ابهام‌های تاریخی می‌پیچند، بیش از همه به شرایط و اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی در عراق و ایران و البته به مرام و منش سیاسی وی بر می‌گردد. بنابراین توقع داشته باشید که بخش زیادی از این گزارش، به جای اینکه به صورت مستقیم گزارش از شخص «آیت‌الله خویی» باشد، گزارش از موارد دیگری از کار در آمده باشد!

از «خوی» تا «نجف»

برخی‌ها اگرچه سعی کرده‌اند برای «آیت الله خویی» منش«سیاست گریزی» و پرهیز از دخالت در مسائل حکومتی و سیاسی بتراشند اما نتوانسته‌اند این مرام و خُلق و خوی تراشیده شده را، خصیصه‌ای ارثی یا آموختنی از خانواده‌اش قلمداد کنند. یعنی وقتی «سید ابوالقاسم» در سال ۱۲۷۸ در شهر «خوی» به دنیا می‌آید، پدرش «سید علی اکبر خویی» از روحانیان بنام منطقه و از شاگردان «شیخ عبدالله مامقانی» و خیلی هم حساس به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران آن روزگار است.

«سید علی اکبر» در سال ۱۲۸۸ به دلیل مخالفت با مشروطه‌ای که معتقد است از مسیر اصلی منحرف و غیرمشروعه شده است، راهی «نجف» می‌شود. نوجوان آذربایجانی که علوم مقدماتی را در زادگاهش خوانده بود، دو سال بعد یعنی در ۱۳ سالگی همراه برادر راهی نجف می‌شود و به پدر می‌پیوندد.

۶ سال در مرحله نخست و ۱۴ سال در مراحل بعدی، شاگردی علما و استادان بزرگ حوزه نجف را می‌کند و به اجتهاد می‌رسد. در این سال‌ها علاوه بر حکمت، فلسفه،کلام، تفسیر، فن مناظره، فقه و اصول و...، ریاضیات، حساب استدلالی، هندسه فضایی و مسطحه و جبر را نزد سید ابوالقاسم خوانساری (میر صغیر) فرا می‌گیرد.

۷۰ سال تدریس

شاگردی عارف بزرگ «آیت‌الله سید علی قاضی» را هم کرده است. اگرچه برخی منابع نوشته‌اند پس از اینکه مدتی به درس «آیت‌الله قاضی» رفت، با مخالفت پدر روبه‌رو شد و در نهایت قید درس عرفان را زد.

سایت «ویکی شیعه» می‌نویسد: «آغاز مرجعیت آیت‌الله خویی به روشنی مشخص نیست، اما بسیاری از منابع، آغاز جدی مرجعیت او را پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی دانسته و تأکید کرده‌اند که پس از درگذشت آیت‌الله حکیم، خویی بخصوص در عراق، مرجع برتر شناخته می‌شد و جایگاه مرجعیت او در میان شیعیان ایران هم مهم گزارش شده است. آیت‌الله خویی، از جمله مراجعی دانسته شده که در میان بیشتر شیعیان، اعم از عرب و غیرعرب، نفوذ چشمگیری داشته است.

۱۴ نفر از مجتهدان نجف و سید موسی صدر از سوی مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان، او را مرجع اعلم معرفی کرده‌اند... پس از درگذشت «میرزا محمد رضا کاظمی خراسانی» مجلس درس آیت‌الله خویی، برترین و پرجمعیت‌ترین حوزه درسی نجف معرفی شده است... او در مجموع ۷۰ سال به تدریس دروس سطح و خارج در حوزه نجف پرداخته و بر اساس منابع، نزدیک ۵۰ سال، مهم‌ترین مجلس درسی حوزه علمیه نجف را عهده‌دار بوده است.

ابزار رهبری سیاسی

مهندس «سید موسی خویی» نوه «آیت الله خویی» است که کارشناس مسائل سیاسی عراق و جهان تشیع هم به حساب می‌آید. او بیشتر از ۴۰ سال در کنار پدر بزرگش زندگی کرده است و شاید بهتر از هرکسی بتواند به شبهات پیرامون منش سیاسی آیت الله خویی و اینکه چرا از سال ۵۷ برای ۱۰ سال دور سیاست را خط گرفت، پاسخ بدهد. بخشی از سخنانش را بخوانید: «ایشان در سن ۱۴ سالگی به عراق رفته‌اند؛ یعنی زمان قیام علمای عراق علیه انگلیسی‌ها ایشان در حدود ۲۰ سال داشتند...کم‌سن و سال و جوان بوده و در آن زمان آشنایی با شرایط سیاسی مقداری زمان‌بر بود... زمان بیشتری لازم بود تا بتوانند وارد فعالیت سیاسی در نجف شوند.

البته پدرشان فعالیت سیاسی داشت و در قضایای گوهرشاد، رضاشاه ایشان را از مشهد تبعید کرد... دانش‌اندوزی و تلاش سرسختانه برای فراگیری علوم بخصوص علوم دینی، شاخص روشن حیات برکت‌بار ایشان بود. دائماً مشغول مطالعه و تحصیل بودند... معتقد بودند که رهبری سیاسی و ممارست‌های روزانه در امور سیاسی نیاز به ابزارهای مطمئن و کارآزموده در میدان سیاست دارد و این امر جزو چشمداشت‌های حوزه‌ها نبوده است. اما ایشان در ۱۵ خرداد در سطح وسیعی در قیام مردمی شرکت کردند. بیانیه‌های مختلفی علیه حکومت پهلوی صادر کردند و با اشاره به خطر فزاینده نفوذ صهیونیسم و بهائیت، حکومت پهلوی را تهدید به مجازات کردند».

نامه‌های انتقادی

اعتقاد به اینکه «رهبری سیاسی» نیاز به ابزارهای مطمئن و کار آزموده دارد خیلی فرق می‌کند با اینکه برخی‌ها تلاش داشته و دارند که او را «سیاست گریز» کامل قلمداد کنند. نه تنها نوه‌اش – مهندس خویی – بلکه دیگر منابع و اسناد هم نشان می‌دهد آغاز فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های محکم سیاسی آیت الله خویی به سال ۱۳۴۱ بر می‌گردد.

وقتی در اعتراض به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به آیت الله بهبهانی نامه می‌نویسد و سپس نامه دوم را مستقیماً برای پهلوی دوم ارسال می‌کند: «... صدور بعضی از قوانین که تقلید بیگانگان در آن‌ها آشکار و مخالف قوانین اسلام و قانون اساسی می‌باشد از نظر اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران فاقد ارزش است... امید است شخص اول مملکت از مقدسات اسلامی که از یک کشور مسلمان به ودیعه دارند نهایت درجه نگهداری را نموده و آرامش قلوب مسلمانان را تأمین نمایند».

در نامه سوم هم می‌نویسد: «... به اولیای امور تذکر دهید که اینگونه اعمال بیش از پیش موجب تشنج مملکت و ناراحتی افراد خواهد شد و در صورتی که جمعی بتوانند با قوه قهریه صدای ملت را خاموش نمایند مدت آن طولانی نخواهد بود...».

هشدار به شاه و دولت

در ماجرای حمله به مدرسه فیضیه قم نیز آیت الله خویی همراه دیگر علما و مراجع موضع‌گیری محکمی علیه رژیم دارد.به جز نامه‌ای که برای امام(ره) می‌نویسد، نامه این بارش به شاه صراحت بیشتری دارد و زبان انتقاد هم تیزتر است: «... بسیار جای تأسف و تأثر است که سقوط و انحطاط مملکت اسلامی و یگانه مرکز تشیع به جایی برسد که زمامداران آن آلت و وسیله انجام مقاصد شوم آنان گردند.

ما چندی قبل مفاسد تصویب‌نامه شوم و جعلی قوانین برخلاف مقررات اسلامی را تذکر داده و اعلام خطر نمودیم. با این حال شاه با کمال جدیّت از آن قوانین دفاع کرده...».

به جز این به ۲۴ نفر از علمای ایران درباره وضع موجود نامه می‌نویسد و در پایان نامه به رژیم هشدار می‌دهد:«اگر این‌گونه رفتارها ادامه یابد، علما به وظیفه خود عمل خواهند کرد... چنانچه از این قوانین رفع ید نشود آخرین وظیفه خود را انجام خواهیم داد و مسئول حوادث، شخص شاه و هیئت دولت خواهند بود».

دمیدن در کوره اختلاف

ماجرای دیدار «فرح»، اهدای انگشتری به شاه در سال ۵۷، دیدار با صدام حسین و اختلاف نظر با امام(ره) از جمله شبهاتی است که تا مدت‌ها موجب جنجال پیرامون شخصیت او می‌شود و گاه کار را تا درگیری میان موافقان و مخالفانش در ایران و عراق پیش می‌برد. شواهد نشان می‌دهد بزرگنمایی بسیاری از این اتفاقات و همچنین دمیدن در کوره اختلاف با امام(ره) از یک سو به ساواک و عواملش و از سوی دیگر به نوعی توافق میان حکومت ایران و عراق برای از بین بردن محبوبیت و جایگاه آیت‌الله خویی میان شیعیان دو کشور دارد. رژیم صدام بابت انتفاضه شعبانیه از آیت الله خویی دل پری دارد و از همین بابت او را تبعید کرده و در فشار گذاشته و حکومت پهلوی نیز تلاش دارد با سوءاستفاده از اختلاف نظر میان او و امام(ره)، کار خودش را پیش ببرد. دیدار «فرح» با آیت الله خویی با هماهنگی رژیم صدام و بدون دعوت بیت آیت الله، انجام می‌شود و شایعه انگشتر عقیق هم بعدها ساخته و پرداخته و از سوی آیت الله تکذیب می‌شود. در واقع رژیم ایران در مقابل موج مخالفت مراجع و علما سعی دارد آیت الله خویی را موافق اقدامات خود نشان دهد.

چه کسی به شاه انگشتر عقیق داد؟

اختلاف نظر در برخی مسائل با امام(ره) شایعه نیست. این را هم ناگفته می‌دانید آیت الله خویی و امام خمینی(ره) نخستین مراجعی نیستند که در برخی مسائل با هم اختلاف نظر داشتند.

این اختلاف را نمی‌توان دشمنی یا حتی قبول نداشتن یکدیگر تلقی کرد. کمک آیت الله خویی به آزادی امام در سال ۱۳۴۱، دیدار این دو در نجف، اینکه امام(ره) نمازخواندن بر پیکر فرزندش – سید مصطفی – را به عهده آیت الله خویی می‌گذارد و... نشان دهنده رابطه‌ای محترمانه میان دو مرجع تقلید در ایران و عراق است. البته در میان طرفداران هر دو، باندهایی وجود دارند که سعی در تخریب این رابطه و سیاه نمایی دارند. نمونه‌اش نامه‌ای است که نشان می‌داد شاه از اهدای انگشتر توسط آیت‌الله خویی تشکر کرده است، اما جعل شدن آن توسط باند «مهدی هاشمی» بعدها افشا می‌شود.

وقتی امام در سال ۱۳۶۰ در یک سخنرانی از کسانی انتقاد می‌کنند که به شاه نامه نوشته و به او انگشتر هدیه داده‌اند، خیلی‌ها این را به حساب کنایه به آیت الله خویی گذاشتند در حالی که منظور امام فردی به نام «شیخ بهاالدین نوری» بود.

مجاز آباد

غریب‌ترین‌خبرنگار

ایستگاه / در میان موج تبریک‌های مجازی و حقیقی به مناسبت روز خبرنگار، «حمید داوودآبادی» واکنشی متفاوت به این روز داشته و در اینستاگرامش نوشته است:«آن روزها که تو خبرنگار بودی، خون‌نگاری راه و رسمت بود. آن روز که تو در سوسنگرد در برابر دشمن سینه سپر کردی و از شهید چمران عکس می‌گرفتی، هنوز عکاسی از سلبریتی‌ها مد نشده بود! سلام و درود بر آن خبرنگار شجاع، غریب و بی نشان کاظم اخوان که ۳۶ سال پیش، غریبانه و مظلومانه، همراه حاج احمد متوسلیان، تقی رستگار و سیدمحسن موسوی، ۱۴ تیر ۱۳۶۱ در بیروت، به دست مزدوران اسرائیل اسیر شدند و دیگر خبری ازشان بازنیامد.

گوگل اشتباه کرد!

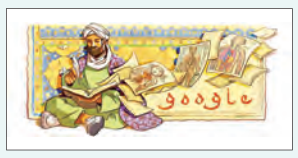

ایستگاه / بسیاری از کشورهای جهان، ابوعلی سینا را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان می‌شناسند که در زمینه‌های پزشکی، نجوم، ریاضی، فیزیک، شیمی، روان‌شناسی، جغرافیا، زمین‌شناسی، شعر، منطق و فلسفه، تخصص داشت. بد نیست بدانید این فیلسوف نامی ایرانی ۴۵۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون نوشته است که شمار زیادی از آن‌ها در مورد پزشکی و فلسفه است. روز گذشته، گوگل لوگوی خود را برای گرامیداشت هزار و سی و هشتمین زادروز ابوعلی‌سینا تغییر و تصویری گرافیکی از این فیلسوف بزرگ در صفحه جستجوی خودش قرار داد، اما طبق تقویم شمسی، زادروز ابن سینا مصادف با روز پزشک و یکم شهریور است و احتمالاً شرکت گوگل دچار اشتباه شده است!

کاش فایده ای برای مردم داشت

ایستگاه / علی مطهری بعد از اینکه از تریبون مجلس برای چندمین بار از مسئولین درخواست حصر را مطالبه کرد ،حسابی مورد انتقاد سایر نماینده ها قرار گرفت. حتی دقایقی نمایندگان مجلس شعارهای تندی علیه علی مطهری سردادند و در نهایت غائله ختم به‌خیر شد. حالا پس از اتفاقات پر جنجال مجلس ، محمد سعید احدیان ، مدیرمسئول روزنامه خراسان با انتشار مطلبی در همین باره درتوئیترش نوشت:« مردم درگیر هزارتا مشکل اقتصادی و فساد هستند ، نماینده شان آقای مطهری همچنان پیگیر جنجالی شدن و سوال درباره حصر است. کاش ایشان کمی هم برای مطالبات موکلان اش جنجال می‌آفرید حداقل فایده ای هم برای مردم داشت».